

The Perspective of Faculty Members of Iranian State Universities about the Influential Factors on Effectiveness of Accounting Teaching

Gholamhossein Mahdavi^{1*}

Abdolmajid Sarmadinia^{2**}

Abstract

Objective: The purpose of this study is to investigate the effectiveness of accounting teaching from the perspective of faculty members of Iranian state universities. The study is based on a qualitative approach and uses semi-structured interviews to collect data. The data were analyzed using content analysis. The results of the study show that the most influential factors on the effectiveness of accounting teaching are the quality of the teaching process, the quality of the teaching materials, and the quality of the teaching environment. The study also found that the most important factors on the effectiveness of accounting teaching are the quality of the teaching process, the quality of the teaching materials, and the quality of the teaching environment. The study also found that the most important factors on the effectiveness of accounting teaching are the quality of the teaching process, the quality of the teaching materials, and the quality of the teaching environment.

Methods: The study used a qualitative approach and used semi-structured interviews to collect data. The data were analyzed using content analysis. The results of the study show that the most influential factors on the effectiveness of accounting teaching are the quality of the teaching process, the quality of the teaching materials, and the quality of the teaching environment. The study also found that the most important factors on the effectiveness of accounting teaching are the quality of the teaching process, the quality of the teaching materials, and the quality of the teaching environment.



Abstract

eesiaall e effectsaa// eeaaviss witeeeeeeeiaall e'effects teacii gg effectiveeessiitt ee ac, tttt ing ii scill iee Teeccntett aaaalysismntaaaaaaalyzett eemrmeessssssssseeeffectievefactss.

Results: A ttt al ff acctttt igg tacll ty memess aatticiaate i tii s svvey eesll tigg i the ieett ificati ff effective factss fmmnwii c 000 items eea,iwit fi clttt wit sss itive effects add itemsi eealt w.t factss wit eeee sisslle e,fects Give tee csss essss amggg svvey rrtticfaatt s tff effective factssseeeate factss ieett ifie weee classifie itt geeaal classes ff factss wit eesiaall e effects a wit eeee siaall e factss teacii gg effective.. ss Fmmramggg tee ieett ifie factss factss scc as tee mmmiaacce ff tee ffff ess tee sjjj ect eeigg taggtt the ffff essssstt eeesta acctttt igg tercii ggi tii sfiel a tee sjjj ect eeigg taggtt activ, aatticieetio ff steett s i classmmmtiii cs a sse ff. ceei lle .eacii gg eesccces yy tee latest sciett ific acii evemett s as factss wit eesiaall e effect a lac ff aiiiiiii ite stcctaala evvimmntt al ciiii tiss steett ss lww itt eest mtt ivati a sciett ific leve. tee ffff essssss issffficiet t mmmacccc eejjj jjjjj ttt eeiiiaaatt tnmiiii i eeeee e ii iixeaaaattt wwttt eeaeett wwwww waaaaaaa yyyee"ejjj jjjj jjjjjjjsssss ss eeee eaall llllllll teeaeaeaeaeaeaefff ffffii gg eeeeee iii ggggggg Seemma et al ()))))tee eest f eccellece i iii vessity teacii ng; Ygggg&&Saawss)))))))ffff iles ff effective cll lege a iii vessity teaceess; Stice & Stccss (0000) effectiveteacii gg teciii ees; Pll sss(0)))))taaits ff .ffectiveteaceess; Geeeyy (7777)ffivefactssff effective teacii gg; Aegeeye ()))))Steeett s Pectt ivvff Effective Teacii gg a effectit e lectre caaaactei|tics at tee iii vessity ff I**aa Nigeia; Stttt & Wygal ()))))eegative eeaaviss taat imeeee leaiii gg: svvey fiiii ggs fmmnaawddwiiii yy acctttt igg eccatsss; Delaey et ad (0000) steett s eecett iss ff effective teacii gg i ii gee eccati;; Wygal Watty & Stttt ()))))iii vess ff teacii gg effectiveess; Wygal & Stttt ()))))sii ii gg a ligg effective teacii gg eest aaactices Tii s iiii catestee ii g valiit ty ff tee fiiii ggs ff tii s styyy Teeefee ss igg tee factss ieett ifeiii tii styyiitt tee teacii g gccccccff fffttt tggfff fffsscc cceeeeee aaaaaa e eeee fffeedttt t ii gg.

Conclusion: Tee eesll t ff tee styyy suggests taat abttt tee factss wit .esiaall e effects a sigii ficant emhhasis ff accottt ig gssscocsssss " uuuuuu ssssssssggg ggg gccccannm nnnmtt t tddd ddddgg gll ll lddd d dtssss ss ss ssss ssssggg g gg s"cccc caaaaaaiiiiii iii oooeeee seell llllllll ii iii i tt t t sss ssssss sss cccaaaaadd dvvmmmmmmmmss wwwt teee tt ttt tt ttt ttt t ttt ffffee tt tt sscccr rrrr fff fffffyy eeaii i eeaeegt tt ssccccccaaatt t eee aaaaaaaa w vdv dbeett ttt ttt t ft tssssff feeccgggggggggg nnnmggii ii ill ll ccccccdddggg eee ett ee ee eeeennnmggggll lll ll eess eeeeeeesssssssss seeeeeeeaeaeaefff fffii ggggtt ttt ii iieeccc,, ,,, ,ll lwwwgggeeeegggegg:: ::::eeae aaaaaaaaa gg ffff fffsssssss sss fffffii ggggnnnmn n eee aaaveeesssss sssmmmmggg gg aaaaa eeaeaeaeaefff fffii ggggggii ii ii iiiiii ll ll llle"e ae rrrrrrrr iii gggnaagg ii eeveesssss ss ssssf feeccc c ii ggggggggeeeeee aett tttt iii ee aeiii gggccccc.

Keywords: *Accounting Discipline, Accounting Education, Effective Accounting Teaching.*

Paper Type: *Research Paper.*

Citation: Mahdavi, Gh., & Sarmadinia, A. (2023). The perspective of faculty members of iranian state universities about the influential factors on effectiveness of accounting teaching. *Journal of Accounting Knowledge*, 14(1), 93-118 [In Persian].

دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های دولتی در خصوص عوامل مؤثر بر اثربخشی تدریس حسابداری

غلامحسین مهدوی^{۱*}
عبدالمجید سرمدی نیا^{۲**}

چکیده

هدف: هدف پژوهش حاضر شناسایی عوامل مؤثر بر ارتقاء سطح کیفیت و اثربخشی تدریس استادان رشته حسابداری، به عنوان محرک اصلی ارتقادهنده کیفیت و اثربخشی آموزش حسابداری، است.

روش: در این پژوهش از اعضای هیئت علمی حسابداری دانشگاه‌های دولتی کشور نظرسنجی شده است. در این نظرسنجی از اعضا جامعه پژوهش خواسته شد که، به‌طور جداگانه، عوامل دارای تأثیر مطلوب و عوامل یا رفتارهای دارای تأثیر نامطلوب بر اثربخشی تدریس در رشته حسابداری، را معرفی کنند. برای تجزیه و تحلیل عوامل مؤثر معرفی شده به‌وسیله اعضا از روش تحلیل محتوا استفاده شده است.

یافته‌ها: در مجموع ۵۷۹ عامل تأثیرگذار بر تدریس شناسایی شد که ۳۱۰ مورد آن به عوامل داری تأثیر مطلوب و ۲۶۹ مورد به عوامل دارای تأثیر نامطلوب بر اثربخشی تدریس مربوط است. با توجه به اتفاق نظر مشارکت کنندگان در نظرسنجی روی عوامل اثرگذار معرفی شده، عوامل شناسایی شده به ۶ دسته کلی عوامل دارای تأثیر مطلوب و ۱۲ دسته عوامل دارای تأثیر نامطلوب بر اثربخشی تدریس طبقه‌بندی شده است.

نتیجه‌گیری: نتیجه پژوهش بیانگر این است که در رابطه با عوامل دارای تأثیر مطلوب بر اثربخشی تدریس بیشترین تأکید استادان حسابداری جامعه پژوهش بر «عوامل مرتبط با محتوای آموزشی و ابزارها و روش‌های تدریس» و «عوامل مرتبط با ویژگی‌های استاد» و در رابطه با عوامل دارای تأثیر نامطلوب بیشترین اجماع روی «عوامل ساختاری و محیطی»، «پایین بودن علاقه، انگیزه و سطح علمی دانشجو»، «عدم تسلط استاد به موضوع مورد تدریس»، و «بی‌توجهی یا برخورد اخلاقی نادرست استاد نسبت به دانشجویان» است.

واژه‌های کلیدی: رشته حسابداری، آموزش حسابداری، تدریس اثربخش حسابداری.

نوع مقاله: پژوهشی.

استناد: مهدوی، غلامحسین و سرمدی نیا، عبدالمجید (۱۴۰۲). دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های دولتی در خصوص عوامل مؤثر بر اثربخشی تدریس حسابداری. *مجله دانش حسابداری*، ۱۴(۱)، ۹۳-۱۱۸.

مجله دانش حسابداری، دوره چهاردهم، ش ۱، صص. ۹۳-۱۱۸.

* نویسنده مسئول، استاد گروه حسابداری، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. **رایانامه:** ghmahdavi@rose.shirazu.ac.ir

** کارشناس ارشد گروه حسابداری، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. **رایانامه:** am.sarmadinia@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۹/۱۸ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۱۱/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۷ تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۲/۳/۱۷

ناشر: دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه شهید باهنر کرمان.

©The Author(s).

DOI: 10.22103/jak.2022.18657.3631



مقدمه

کیفیت هر رشته دانشگاهی به کیفیت خدماتی وابسته است که آن رشته، به‌عنوان وظیفه، به جامعه ارائه می‌کند. وظیفه اصلی رشته حسابداری، در برابر جامعه، تهیه اطلاعات مالی مؤثر و قابل اعتماد مربوط به بنگاه‌های اقتصادی و ارائه آن به گروه‌های مختلف استفاده‌کنندگان است که بر مبنای این اطلاعات اقدام به اخذ تصمیم‌های اقتصادی می‌کنند. حسابداران، که همان دانش‌آموختگان رشته دانشگاهی حسابداری هستند، در تعیین نوع و میزان اطلاعات حسابداری و نیز تهیه و گزارش آن دخالت مستقیم دارند. پرواضح است که کیفیت اطلاعات حسابداری به کیفیت دانش حسابداران بستگی دارد. بخش قابل توجهی از کیفیت دانش حسابداران به کیفیت آموزشی بستگی دارد که در دانشگاه برای آن‌ها برنامه‌ریزی شده است. کیفیت آموزش حسابداری نیز با کیفیت تدریس استادان حسابداری در دانشگاه‌ها، رابطه تنگاتنگی دارد. بنابراین، ضروری است که استادان حسابداری دانشگاه‌ها برای بهبود کیفیت تدریس در رشته حسابداری تلاش کنند. لذا، با توجه به نتیجه برخی از پژوهش‌ها، به عنوان نمونه (مدسن^۱، ۲۰۱۵)، که بیان می‌کنند چندین دهه است شاغلین حسابداری، دانشگاهیان و نهادهای حرفه‌ای ابراز نگرانی کرده‌اند که کیفیت آموزش حسابداری در حال کاهش است، توجه به کیفیت و اثربخشی تدریس استادان حسابداری، به‌عنوان محرک اصلی ارتقا دهنده کیفیت آموزش حسابداری، ضروری به نظر می‌رسد.

از این رو، از گذشته تاکنون، در پژوهش‌های انجام شده در رابطه با آموزش حسابداری، توجه زیادی به اهمیت تدریس اثربخش و نقش آن در رشته حسابداری شده است (به عنوان نمونه بویر^۲، ۱۹۹۰؛ پیر^۳ و همکاران، ۲۰۰۹؛ و جامعه حسابداران رسمی آمریکا^۴، ۲۰۱۵). یکی از جنبه‌هایی که مورد توجه کمیسیون تغییر آموزش حسابداری آمریکا در دهه ۱۹۹۰ میلادی و کمیسیون مسیرها^۵ (راه کارها) قرار گرفت، شناسایی ویژگی‌های تدریس اثربخش و به اشتراک گذاری اطلاعات در مورد چنین ویژگی‌هایی بین مدرسان رشته حسابداری است. در بیانیه شماره ۱ منتشر شده به‌وسیله کمیسیون تغییر آموزش حسابداری^۶ (۱۹۹۰) به روشنی بر اهمیت تدریس در رشته حسابداری تأکید شده است. هم‌چنین، در بیانیه شماره ۵ کمیسیون مزبور بیان شده است که توسعه سازوکارهای به اشتراک گذاری ایده‌ها و فنون در فرهنگ و جو سازمانی، مورد نیاز است. زیرا، موجب ایجاد و حفظ وضعیت علمی تدریس در استادان دانشگاه می‌شود (کمیسیون تغییر آموزش حسابداری، ۱۹۹۳).

لذا، پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش است که، چه عواملی می‌تواند به اثربخشی تدریس در رشته حسابداری کمک کند و چه عوامل یا رفتارهایی می‌تواند بر اثربخشی تدریس در رشته حسابداری اثر منفی داشته باشد؟ به همین منظور، در نظر است که با بهره‌گیری از ادبیات و پژوهش‌های پیشین (به‌عنوان نمونه، استیس و استوکز^۷، ۲۰۰۰؛ استوت و ویگال^۸، ۲۰۱۰؛ ویگال^۹ و همکاران، ۲۰۱۴؛ و ویگال و استوت^{۱۰}، ۲۰۱۵)، از طریق نظرسنجی از اعضای هیئت علمی حسابداری دانشگاه‌های دولتی کشور، به منظور بهبود اثربخشی تدریس در رشته حسابداری، عوامل اثرگذار مربوط شناسایی و معرفی

¹ Madsen

² Boyer

³ Pierre

⁴ American Institute of Certified Public Accountants

⁵ Pathways Commission

⁶ Accounting Education Change Commission

⁷ Stice and Stocks

⁸ Stout and Wygal

⁹ Wygal

¹⁰ Wygal and Stout

شود. اگر چه پژوهشگران حسابداری پیشین در کشور به پژوهش در حوزه آموزش حسابداری، پرداخته‌اند (به عنوان نمونه، **ثقفی و محمدزاده نوین (۱۳۷۱)**، به موضوع اعتلاء آموزش حسابداری در کشورهای در حال توسعه پرداختند؛ **بدری (۱۳۷۲)**، به بررسی رویکرد فلسفی در آموزش حسابداری پرداخت؛ **نوروش (۱۳۸۲)**، به موضوع تغییر برنامه درسی دوره کارشناسی رشته حسابداری پرداخت؛ **نوروش و مشایخی (۱۳۸۴)**، موضوع اولویت‌های آموزشی حسابداری مدیریت را مورد بررسی قرار دادند؛ و **مشایخی و شفیع‌پور (۱۳۹۱)**، کارایی نظام آموزشی رشته حسابداری را در ۲۰ دانشگاه دولتی کشور مورد بررسی قرار دادند)، اما آنان به پژوهش در رابطه با تدریس حسابداری، که یکی از جنبه‌های بُعد آموزش است، نپرداخته‌اند. لذا، این پژوهش برای اولین بار در جهت شناسایی و معرفی محرک‌های دارای تاثیر مطلوب بر اثربخشی تدریس و نیز شناسایی و معرفی عوامل و رفتارهایی که تاثیر نامطلوب بر اثربخشی تدریس دارند، انجام شده است که برای شناخت این عوامل از پیشنهاد‌های استادان حسابداری در کشور استفاده شده است. شناخت این عوامل می‌تواند به استادان حسابداری کمک کند تا در فرآیند تدریس خود عوامل مثبت در اثربخشی تدریس را رعایت کرده و از انجام عوامل منفی خودداری کنند. انتظار بر این است که تحقق هدف پژوهش به یکپارچه‌سازی فرایند تدریس مؤثر در رشته حسابداری دانشگاه‌های سراسر کشور و نیز کاهش نارسایی‌های احتمالی در فرایند تدریس فعلی این رشته، کمک کند.

بخش بعدی مقاله به تشریح مبانی نظری و پیشینه تجربی پژوهش اختصاص یافته است. پس از آن، به ترتیب، روش شناسایی پژوهش، یافته‌های پژوهش و نتیجه‌گیری و پیشنهادها، ارائه می‌شود.

مبانی نظری پژوهش

آموزش مهم‌ترین اهرم یا ابزار برای دگرگونی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. مجهز شدن جمعیت تحصیل کرده به دانش مربوط، نگرش و مهارت لازم، برای توسعه اقتصادی و اجتماعی در قرن بیست و یکم ضروری است. آموزش قوی‌ترین ابزار برای تحریک یا پویایی اجتماعی و اقتصادی و یک ابزار اصلی برای ایجاد یک جامعه عادلانه است. هم‌چنین، آموزش محرک اولیه‌ای است که برای نوسازی جامعه و تبدیل مردم آن جامعه به ملتی بزرگ، نقش مؤثری ایفا می‌کند (**رینا، ۲۰۱۵**). به این ترتیب، تمرکز بر بهبود کیفیت و اثربخشی آموزش حسابداری، به عنوان یکی از راهبردهای ارتقا دهنده سطح کیفیت دانش آموختگان رشته حسابداری، ضروری به نظر می‌رسد. لذا، بهبود کیفیت و اثربخشی تدریس در رشته حسابداری، به عنوان عامل اصلی ارتقا دهنده کیفیت و اثربخشی آموزش، راهبردی است که در این پژوهش برای بهبود کیفیت دانش آموختگان رشته حسابداری در نظر گرفته شده است.

تدریس در رشته حسابداری

هر چند عده‌ای آموزش و تدریس را مترادف در نظر می‌گیرند، با این حال، آن‌ها را نمی‌توان دقیقاً هم‌معنی دانست. آموزش فعالیت‌های پیش از رفتن به کلاس یعنی طراحی آموزش و فعالیت‌های مربوط به طراحی و اجرای ارزشیابی را نیز شامل می‌شود. در مقابل، تدریس عمدتاً به فعالیت‌های کلاسی معلم گفته می‌شود که در حضور دانشجویان و عمدتاً به شکل کلامی انجام

می‌شود (سیف، ۱۳۹۲، ص. ۳۶). آموزش را می‌توان فعالیتی تعریف کرد که هدفمند و از پیش طراحی شده بوده و هدف از آن فراهم کردن فرصت‌ها و موقعیت‌هایی است که امر یادگیری را در درون یک نظام پرورشی تسهیل کند و سرعت بخشد. آموزش ممکن است با حضور استاد و یا بدون حضور وی، از طریق فیلم، رادیو، تلویزیون و سایر رسانه‌ها انجام شود (شعبانی، ۱۳۸۵، ص. ۱۰). به همین ترتیب، در رابطه با تدریس چنین بیان شده است که، تدریس یک فعالیت آگاهانه و هدفمند در جهت ارتقای یادگیری است. این فعالیت به‌طور معمول دارای دو جزء اساسی است. یکی مدرس که یادگیری را ارتقا می‌بخشد و دیگر دانشجو، یادگیرنده و یا دریافت‌کننده^۱ که در حال یادگیری است. بنابراین، یادگیری ارتقا پیدا می‌کند (کوین و هیوز^۲، ۲۰۰۷، ص. ۱۲۴). تدریس عاملی اساسی در یک نظام آموزشی تلقی می‌شود. لذا، اثربخشی یا کیفیت تدریس، همواره یکی از نگرانی‌های اصلی مسئولان نظام آموزش عالی بوده است (شیربگی، ۱۳۹۲). از این رو، اهمیت تدریس از گذشته تاکنون مورد توجه پژوهشگران حوزه‌های مختلف بوده است. رمزدن^۳ (۲۰۰۴) در مورد تدریس اثربخش بیان می‌کند که، تدریس باید منجر به بهبود کیفیت یادگیری دانشجویان شود. پولک^۴ (۲۰۰۶) نیز معتقد است اثربخشی تدریس در حال حاضر باید در پرتو نتایج یادگیری تعریف شود.

نظریه‌های مختلفی در رابطه با تدریس مطرح شده است. برای نمونه، رمزدن (۲۰۰۴) سه نظریه تدریس را تحت عنوان «نظریه‌های تدریس استادان دانشگاه» مطرح می‌کند، که عبارتند از: (۱) تدریس به‌عنوان بیان کردن یا انتقال (مخبره): این نظریه مبتنی بر دیدگاه بسیاری از استادان دانشگاه است که به‌طور ضمنی یا به‌صراحت وظیفه تدریس به دانشجویان دوره کارشناسی را به‌عنوان انتقال محتوای معتبر یا نمایش (اثبات) روش‌ها تعریف می‌کنند. بنابراین، در این نظریه مجموع دانشجویان دریافت‌کننده منفعل دانش از یک گوینده واحد تلقی می‌شود، (۲) تدریس به‌عنوان سازمان‌دهی فعالیت دانشجو: در این نظریه، برخلاف نظریه اول، تمرکز از استاد فاصله گرفته و به سمت دانشجو حرکت می‌کند. لذا، در این نظریه، استادان تدریس را به‌عنوان یک فرایند نظارتی در نظر می‌گیرند که شامل بیان فنونی می‌شود که برای اطمینان از یادگیری دانشجویان طراحی شده است. بنابراین، در این جا، یادگیری فنون تدریس یک مبنای کافی برای بهبود تدریس در نظر گرفته می‌شود. هم‌چنین، این نظریه زمینه اندیشه یادگیری فعال، یکی از ایده‌های اصلی بسیاری از اعضای هیئت علمی در توسعه آموزش عالی، است، و (۳) تدریس به‌عنوان ایجاد امکان یادگیری: اگرچه در نظریه‌های اول و دوم، به ترتیب، تمرکز بر استاد و دانشجو بود، با این حال، در این نظریه تدریس و یادگیری به‌عنوان دو روی یک سکه در نظر گرفته می‌شود. در واقع، نظریه سوم یک دیدگاه ترکیبی است. هم‌چنین، در این مفهوم، تدریس، دانشجو و محتوای موضوعی که باید یاد گرفته شود از طریق یک چارچوب یا سیستم فراگیر با هم ارتباط دارد. لذا، تدریس به‌عنوان یک فرایند کار مشارکتی با یادگیرنده‌ها شناخته می‌شود.

شواهد بیانگر این است که در رشته حسابداری موضوع تدریس اثربخش مورد تأکید بوده است. به‌عنوان نمونه، کمیسون تغییر آموزش حسابداری آمریکا (۱۹۹۰) در اولین بیانیه خود بیان کرد که تدریس مؤثر به‌وسیله اعضای هیئت علمی رشته

¹ Student/learner/recipient

² Quinn & Hughes

³ Ramsden

⁴ Polk

حسابداری نقش حرفه‌ای آن‌ها را، در بهبود کیفیت رشته حسابداری، ارتقاء می‌بخشد. لذا، همه کسانی که علاقه‌مند به بهبود آینده آموزش عالی هستند باید به بازسازی اولویت‌های دانشگاهیان و تأکید مجدد بر حوزه‌های تدریس و برنامه‌های درسی و هم‌چنین توسعه دوره آموزش، کمک کنند. افزون بر این، کمیسیون مزبور نیز در این بیانیه از ارزشمند بودن شناسایی ویژگی‌های تدریس اثربخش، حمایت کرده است. نمونه دیگری که برای نقش تدریس اهمیت زیادی قائل شده است گزارشی است که به وسیله بنیاد کارنگی^۱ منتشر شد. موضوع اصلی بیان شده در این گزارش این بود که تدریس در آموزش عالی با ارزش است و لذا، باید تلاش‌ها برای پشتیبانی از آن، از طریق ارزیابی اثربخشی تدریس، انجام شود (بویر^۲، ۱۹۹۰). همچنین، موضوع تدریس در گزارش منتشر شده به وسیله کمیسیون مسیره‌ها مورد توجه قرار گرفته است. توصیه شماره ۳ این گزارش از درخواست قبلی کمیسیون تغییر آموزش حسابداری، در رابطه با در اولویت قرار دادن نقش تدریس، حمایت می‌کند (کمیسیون مسیره‌ها، ۲۰۱۲).

به همین ترتیب، فهرستی از نمونه راهبردهای تدریس و فنون کلاس درس به وسیله انجمن حسابداران رسمی آمریکا (۲۰۱۵) ارائه شده است که ارائه چنین فهرستی مبین اهمیت قائل شدن این انجمن برای تدریس حسابداری است. راهبردهای تدریس پیشنهادی این انجمن عبارتند از: (۱) سخنرانی ارتقاء یافته (تعدیل شده): سخنرانی سنتی تعدیل شده شامل عناصر فعال، از جمله مکث برای بحث بین دانشجویان، شامل آزمون‌های آمادگی مافوق یا خارج از موضوع سخنرانی، بیان تجربیات علمی، پاسخ به سؤال‌های از پیش مطرح و ارسال شده دانشجو، (۲) پرسش و بحث: شامل سؤال کردن از دانشجویان به شیوه‌ای که به آنان در ارزیابی فرایند اندیشیدنشان، با بررسی یا کاوش تفکر مبنای اظهارات و سؤال‌هایشان، کمک کند. هم‌چنین، شامل پرسیدن انواع مختلف سؤال‌ها از دانشجویان، از جمله سؤال‌های مربوط به دانش یا آگاهی، سؤال‌های درک مطلب، سؤال‌های تحلیلی، سؤال‌های ترکیبی و سؤال‌های ارزیابی، (۳) نوشتن در کلاس: نوشتن با هدف یادگیری و تفکر. شامل یادداشت‌ها، مقاله‌های یک دقیقه‌ای^۳، پاسخ به مسائل (مشکلات) یا موردهای بدون ساختار، (۴) یادگیری مبتنی بر مسائل (مشکلات) - موردها: استفاده دانشجویان از دانش، مفاهیم، و مهارت‌های مربوط به دوره برای حل مسائل کسب و کار واقعی، (۵) یادگیری مبتنی بر مسائل (مشکلات) - طرح راهنما: یک گروه دانشجو به یک مسئله یا مشکل روی آورده و با تقسیم آن به یک سلسله از مراحل معین (به عنوان نمونه، شناسایی مسئله، حالت یا وضعیت هدف، فهرست محدودیت‌ها و غیره) به حل یا برطرف کردن، به ترتیب، این مراحل می‌پردازند؛ پس از هر مرحله، استاد تحلیل کتبی تفصیلی کارشناسانه، روی گزینه‌های مختلف که دانشجویان طی مرحله قبلی در دسترس داشتند، تهیه می‌کند، (۶) یادگیری گروهی - کار گروهی: دانشجویان به طور گروهی برای حل/تکمیل یک مسئله یا پروژه با هم کار می‌کنند، (۷) مباحثه: دانشجویان یا گروه‌های دانشجو در مباحثه‌های ساختار یافته به وسیله استاد بحث می‌کنند، (۸) درام: یک نمایش یا بازنمایی از رویدادهای دنیای واقعی در یک خلاصه، فرم فشرده؛ ایفای نقش، شبیه‌سازی، بازی‌ها، رمان، روش‌های تجربی بازار، (۹) فن آوری تصویری و آموزش مبتنی بر رایانه، (۱۰) انتقال یا ارائه مبتنی بر فن آوری:

¹ Carnegie Foundation

³ One-Minute Papers

² Boyer

دوره‌های آموزشی ارائه شده به نسبت یا کاملاً برخط، (۱۱) کار میدانی - یادگیری خدمت: انجام وظایف یا کارهای مورد نیاز جامعه همراه با اهداف یادگیری تعمدی، بازتاب آگاهانه و تحلیل انتقادی، و (۱۲) کار میدانی-کارآموزی‌های حسابداری: دانشجویان اعتبار علمی و تجربه دنیای واقعی کار کردن در صنعت، دولت یا حسابداری عمومی، کسب می‌کنند.

تمایز آموزش و تدریس در رشته حسابداری با سایر رشته‌های دانشگاهی

برای متمایز ساختن آموزش و تدریس در رشته‌های مختلف، از جمله رشته حسابداری، ابتدا به تشریح برخی از وجوه تمایز رشته‌های مختلف دانشگاهی پرداخته می‌شود. در نهایت، با بیان دلایلی، بر ضرورت انجام پژوهش‌های اختصاصی در حوزه تدریس رشته حسابداری تأکید می‌شود.

رشته‌های مختلف دانشگاهی با یکدیگر تفاوت‌های زیادی دارند و ارائه تعریفی مختصر که به یک اندازه مناسب همه آن‌ها باشد مشکل است. بنابراین، در بسیاری از بررسی‌های دانشگاهی، در رابطه با مفهوم رشته، مطلب با ریشه‌شناسی واژه رشته شروع می‌شود (کریشنان، ۲۰۰۹، ص. ۷)؛ در این پژوهش نیز از همین روند پیروی می‌شود.

اصطلاح «رشته» (discipline) برگرفته از واژه‌های لاتین "discipulus"، به معنای دانش آموز (آموزنده یا شاگرد) و disciplina، به معنای تدریس (آموزگاری یا معلمی) است. تعریف فرهنگ لغت از رشته طیف وسیعی از معانی کاملاً متفاوت را در بر می‌گیرد؛ بنابراین، با توجه به آن‌ها می‌توان یک بُعد اخلاقی مهم برای رشته متصور شد که تعیین می‌کند مردم باید چگونه رفتار و فکر کنند (کریشنان، ۲۰۰۹، ص. ۸).

اصطلاح «رشته دانشگاهی» بسیاری از معانی ذکر شده برای «رشته» را در بر می‌گیرد. افزون بر آن، رشته دانشگاهی یک اصطلاح فنی است که برای سازمان‌دهی فراگیری (یادگیری) و تولید نظام‌مند دانش جدید، به کار می‌رود. اغلب رشته‌ها با موضوعات آموزش داده شده، شناخته می‌شود. با این حال، این طور نیست که هر موضوع آموزش داده شده در دانشگاه، رشته نامیده شود. از این رو، کریشنان (۲۰۰۹، ص. ۹) معیارهایی را مطرح می‌کند که نشان می‌دهد آیا یک موضوع به‌عنوان یک رشته مجزا تلقی می‌شود یا خیر؟ معیارهای مورد نظر وی عبارت است از: (۱) رشته‌ها دارای یک هدف پژوهشی مشخصی هستند، هرچند هدف پژوهش آن‌ها ممکن است با رشته دیگری مشترک باشد، (۲) رشته‌ها با توجه به هدف پژوهش آن‌ها دارای یک پیکر دانش تخصصی انباشته هستند، که خاص آن‌ها است و به‌طور کلی با سایر رشته‌ها مشترک نیست، (۳) رشته‌ها دارای نظریه‌ها و مفاهیمی هستند که می‌تواند دانش تخصصی انباشته آن‌ها را سازمان‌دهی کند، (۴) رشته‌ها از اصطلاحات خاص یا زبان فنی خاص، منطبق با هدف تخصصی خود، استفاده می‌کنند، (۵) رشته‌ها روش‌های پژوهش خاص، مطابق با الزامات (نیازهای) پژوهشی خاص خود، توسعه داده‌اند، و شاید مهم‌تر از همه (۶) رشته‌ها باید از جنبه‌هایی، در قالب موضوعات آموزشی در دانشگاه‌ها یا دانشکده‌ها، گروه‌های دانشگاهی (علمی) مربوط، و انجمن‌های حرفه‌ای تابع آن، ظهور نهادی (رسمی) داشته باشند. لازم به ذکر است که، ممکن است رشته‌ای وجود داشته باشد که همه شرایط بالا را نداشته باشد. هم‌چنین، باید در نظر داشت که یک رشته تنها از طریق نهادینه‌سازی خود، با استفاده از فراهم کردن آموزش‌های خاص، می‌تواند خود

را از نسلی به نسل‌های بعد منتقل کند. به همین ترتیب، اگر چه در دنیای علم، رشته‌ها می‌توانند ادعای دانش تخصصی در حوزه خود کنند، با این حال، همه رشته‌ها یکسان نیستند. برخی از رشته‌ها مفیدتر، دقیق‌تر، مشکل‌تر و یا مهم‌تر از سایر رشته‌ها، در نظر گرفته می‌شود. هم‌چنین، تفاوت‌های فوق‌العاده‌ای بین رشته‌ها، با توجه به جایگاه کلی آن‌ها در دانشگاه‌ها، وجود دارد. این تفاوت‌ها می‌تواند از جنبه‌های مختلفی در نظر گرفته شود، از جمله تعداد دانشجویان، مقدار منابع مالی پژوهشی که آن‌ها می‌توانند جذب کنند و منابع کلی که به‌وسیله دانشگاه، از لحاظ کارکنان تدریس، ساعت تدریس و تجهیزات، به آن‌ها تخصیص داده می‌شود (کریشان ۲۰۰۹، ص. ۱۰).

با توجه به مشخصه‌های ذکر شده در بالا، حسابداری به خوبی تمام مشخصه‌های مورد نیاز برای تلقی شدن آن به‌عنوان یک رشته دانشگاهی را دارد. به همین دلیل، مدت به‌نسبت طولانی است که به‌عنوان یک رشته دانشگاهی، نزد نظام آموزش عالی و مجامع حرفه‌ای، در سراسر دنیا پذیرفته شده و با توجه به نیازهای غیرقابل‌انکار جامعه به خدمات ارائه شده به‌وسیله این رشته و افزایش این نیازها با گذر زمان، به دلیل افزایش واحدهای اقتصادی و نیز بزرگ شدن این واحدها، افراد ورودی به این رشته و در نتیجه دانش‌آموختگان آن نیز با گذر زمان افزایش قابل‌ملاحظه‌ای داشته است. بنابراین، برنامه‌های آموزشی مورد نیاز و اختصاصی برای این رشته طراحی و اجرا و به‌طور مداوم به‌روزرسانی شده است.

برای تبیین اختصاصی بودن فنون تدریس، متناسب با هر رشته دانشگاهی، به سند ارائه شده در زمینه تدریس دانشگاه، به‌وسیله «کمیته معاونت‌های دانشگاه‌های استرالیا»، مراجعه می‌شود. طبق این سند، تدریس یک فعالیت خلاق است که به‌منظور پرورش یادگیری دانشجویان، توانایی‌های آن‌ها و تمایل‌شان برای انجام کار علمی و پیشرفت آن‌ها به‌عنوان یک شخص کامل، طراحی می‌شود. تدریس تخصص حرفه‌ای و رشته دانشگاهی استادان را به تصویر می‌کشد و به‌طور مداوم به‌وسیله پژوهش، حمایت مالی (بورسیه)، مشاوره یا عمل حرفه‌ای به‌روز می‌شود (کمیته معاونت‌های دانشگاه‌های استرالیا، ۱۹۹۳، ص. ۱ نقل از کاسی^۱ و همکاران، ۱۹۹۷، ص. ۴۶۱). در رابطه با مفهوم تدریس، هم‌چنین، بیان می‌شود که تدریس یک فعالیت انسانی است که برای بالا بردن ظرفیت انسان در جهت عمل مناسب است (گرین^۲، ۱۹۶۴، ص. ۳۱۹). با مراجعه به مفهوم رشته دانشگاهی و تدریس، می‌توان به این نتیجه رسید که رشته‌های دانشگاهی از جنبه‌های زیادی با هم متفاوت هستند و شیوه‌های تدریس متفاوتی نیز طلب می‌کنند که متناسب نوع خدمت مورد توقع جامعه، طراحی و اجرا می‌شود. شواهد نیز بیانگر این است که کلیه رشته‌های دانشگاهی، از جمله رشته حسابداری، افزون بر جنبه عمومی آموزش، ساختار آموزشی و روش‌های تدریس خاص خود را توسعه داده‌اند. به عبارت دیگر، در رشته‌های مختلف دانشگاهی جنبه‌های عمومی تدریس را به روش‌های کاملاً خاص هر رشته با هم ترکیب کرده‌اند (نیومن^۳، ۲۰۰۱). این موضوع به دلیل ماهیت و کارکرد رشته‌های دانشگاهی مختلف است. به همین دلیل است که پژوهشگران اقدام به دسته‌بندی علوم کرده‌اند، از جمله بیگلان^۴ (۱۹۷۳) رشته‌های دانشگاهی را از بعد توسعه پارادایم به علوم سخت و نرم و از بعد کاربردی به علوم محض و کاربردی، دسته‌بندی نموده و نیز از گذشته

¹ Casey

² Green

³ Neumann

⁴ Biglan

فرهنگ‌های مختلف علوم انسانی و علوم پایه توسط پژوهشگران (به عنوان نمونه، بچرا^۱، ۱۹۸۷ و ۱۹۸۴؛ و ویتلی^۲، ۱۹۸۴) مورد بررسی قرار گرفته است (نقل از موسز^۳، ۱۹۹۰). از این رو، به دلیل تفاوت در ماهیت و کارکرد رشته‌های مختلف دانشگاهی، مجله‌های تخصصی و جداگانه‌ای نیز برای آن‌ها توسعه یافته است. گفتنی است، نشریه‌هایی از جمله «مجله آموزش حسابداری» از مجله‌های نمایه الزویر، «مسائل آموزش حسابداری» از مجموعه مجله‌های انجمن حسابداری آمریکا، «پیشرفت در آموزش حسابداری» از مجله‌های نمایه امرالد، و ... به طور خاص، اقدام به انتشار پژوهش‌های انجام شده در زمینه خاص آموزش حسابداری می‌کنند. هیئت تدوین استانداردهای بین‌المللی آموزش حسابداری، یکی از هیئت‌های تدوین استاندارد تحت نظر فدراسیون بین‌المللی حسابداران، نیز در زمینه تدوین و بروزرسانی استانداردهای بین‌المللی آموزش حسابداری فعالیت می‌کند. این هیئت تاکنون ۸ استاندارد بین‌المللی لازم‌الاجرای آموزش حسابداری را تصویب کرده است. این استانداردها بر الزامات مربوط به ورود به برنامه‌های آموزش حسابداری حرفه‌ای، صلاحیت فنی، مهارت‌های حرفه‌ای، ارزش‌ها، اخلاقیات و نگرش-های حرفه‌ای، تجربه عملی، ارزیابی صلاحیت حرفه‌ای، توسعه حرفه‌ای مستمر و صلاحیت حرفه‌ای برای کارکنان حسابرسی صورت‌های مالی، متمرکز هستند (فدراسیون بین‌المللی حسابداران^۴، ۲۰۱۹). بنابراین، با توجه به مطالب ذکر شده، انجام پژوهش در حوزه آموزش و تدریس در رشته حسابداری از مسئولیت‌های اعضای این رشته تلقی می‌شود.

نقش استاد در تدریس اثربخش

اهمیت نقش استاد در فرایند تدریس و مؤثر واقع شدن تدریس وی، یکی از عواملی است که مورد توجه پژوهشگران است. ژو^۵ و همکاران (۲۰۱۶) بیان می‌کند بررسی چگونگی انتخاب یک روش تدریس علمی تر و منطقی تر نگرانی مشترک برای مدرسان در سراسر جهان است. رینا (۲۰۱۵) چنین بیان کرد که در رابطه با موضوع تدریس اثربخش در آموزش عالی به نقش تسهیل‌گرانه استادان دانشگاهی تأکید می‌شود. درگاهی و همکاران (۱۳۸۹) استاد را اساسی‌ترین جزء موفقیت اهداف آموزشی تلقی می‌کنند که با کنترل متغیرهای مختلف، می‌تواند وضعیتی مناسب برای تحقق اهداف آموزشی فراهم کند که سبب تسهیل یادگیری در دانشجویان شود.

در رابطه با استاد خوب بیان شده است که وی فردی است که با به‌کارگیری روش‌های مختلف به یادگیری دانشجویان کمک می‌کند. با این دیدگاه نقش استاد خوب فراتر از ارائه صرف اطلاعات می‌شود. در واقع، تصور بر این است که استاد خوب طیف وسیعی از نقش‌های اساسی، برای ایفای آن در فرایند آموزش، دارد. در این رابطه شش زمینه فعالیت برای استاد از جمله (۱) مدرس به‌عنوان ارائه دهنده اطلاعات، (۲) مدرس به‌عنوان الگو، (۳) مدرس به‌عنوان تسهیل‌کننده یا واسطه، (۴) مدرس به‌عنوان ارزیاب، (۵) مدرس به‌عنوان برنامه‌ریز، (۶) مدرس به‌عنوان توسعه دهنده منابع، بیان شده است (هاردن و کروسبی^۶، ۲۰۰۰). لذا، تدریس اثربخش تحت تأثیر فعالیت استاد اثربخش قرار می‌گیرد.

¹ Becher

² Whitley

³ Moses

⁴ International Federation of Accountants

⁵ Zhou

⁶ Harden and Crosby

برای ارزیابی اثربخشی تدریس استادان از روش‌های متفاوتی استفاده می‌شود. بویر (۱۹۹۰) بر ارزیابی تدریس هر استاد به وسیله سایر استادان تأکید کرده است. یانگ و شاو^۱ (۱۹۹۹) موضوع تدریس اثربخش را از نظر امتیاز دانشجویان از اثربخشی استاد مورد تأکید قرار دادند. در پژوهش حاضر از نظر استادان حسابداری برای شناسایی عوامل اثرگذار بر اثربخش شدن تدریس در رشته حسابداری، استفاده شده است. در ادامه پیشینه پژوهش ارائه می‌شود.

پیشینه پژوهش

شرمن^۲ و همکاران (۱۹۸۷) در مطالعه‌ای با هدف بررسی، تعریف و شرح ویژگی‌های تدریس برتر، از طریق بررسی متون موجود، پنج ویژگی نسبت داده شده به استادان ممتاز دانشگاه شامل (۱) علاقه، (۲) وضوح، (۳) آمادگی / سازمان‌دهی، (۴) محرک بودن، و (۵) علاقه به دانش، را معرفی کردند. استیس و استوکز (۲۰۰۰) برای کسب شواهدی در مورد اهمیت درک شناسایی ویژگی‌های تدریس مؤثر، به نظرسنجی از نمونه‌ای شامل ۱۰۰۰ عضو از اعضای بخش تدریس و برنامه درسی از انجمن حسابداری آمریکا، پرداختند. نتایج پژوهش آنان به شناسایی عوامل مهم برای ایجاد یک محیط یادگیری مفید در پنج دسته کلی، شامل محتوای دوره، سازوکارهای کلاس درس، فنون تدریس، مشارکت دانشجو و محیط یادگیری، منجر شد.

جرنی^۳ (۲۰۰۷) برای ایجاد یک محیط یادگیری مؤثر، پنج عامل را معرفی می‌کند که به اعتقاد وی این عوامل یک مبنا برای تدریس خوب فراهم می‌کند. این عوامل عبارت است از: (۱) دانش مدرس، علاقه و مسئولیت‌پذیری وی برای یادگیری، (۲) فعالیت‌های کلاس درس که یادگیری را تشویق می‌کنند، (۳) فعالیت‌های ارزیابی که یادگیری از طریق تجربه را تشویق می‌کند، (۴) بازخورد مؤثر که فرایند یادگیری در کلاس درس را فراهم می‌کند، و (۵) تعامل مؤثر بین استاد و دانشجویان و ایجاد محیطی که یادگیری از طریق تجربه را محترم می‌شمارد، تشویق و تحریک می‌کند. موهایدن^۴ و همکاران (۲۰۰۹) در مطالعه‌ای در رشته حسابداری تأثیر جنبه‌های مختلف در روش تدریس و ویژگی‌های استاد، از جمله رویکرد یادگیری محور، رویکرد تدریس محور، دانش، نگرش و شخصیت مدرس، بر تدریس اثربخش را آزمون کردند. نتیجه آزمون بیانگر وجود تأثیر مثبت این عوامل بر تدریس اثربخش بود.

استوت و ویگال (۲۰۱۰) با نظرسنجی از ۱۰۵ مدرس حسابداری آمریکا، که برتری تدریس آنان به رسمیت شناخته شده بود، به شناسایی رفتارها و شیوه‌هایی پرداختند که مدرسان حسابداری باید در فرایند تدریس خود از آن اجتناب کنند. عوامل شناسایی شده در این پژوهش، به ترتیب اهمیت، عبارت بودند از: (۱) نگرش‌های منفی یا بی‌توجهی به دانشجویان و کلاس، (۲) آماده‌سازی/سازمان‌دهی نامناسب دوره آموزشی، (۳) ناقص یا ناکافی بودن مهارت‌های ارائه شده دوره، (۴) اشتباهات در آزمون/ارزیابی، و (۵) قاطع یا خشک/انعطاف‌ناپذیری/رفتار یا خواسته‌های دست‌نیافتنی. دلانی^۵ و همکاران (۲۰۱۰) در مطالعه‌ای به نظرسنجی از ۱۷۰۰۰ دانش‌آموخته و دانشجوی مشغول به تحصیل در دانشگاه مموریال نیوفاندلند^۶ در رابطه با باور آن‌ها از ویژگی‌های ضروری برای تدریس اثربخش، پرداختند. ویژگی یا رفتار مؤثر بر تدریس شناسایی شده در این پژوهش

¹ Young & Shaw

² Sherman

³ Gurney

⁴ Mohidin

⁵ Delaney

⁶ Memorial University of Newfoundland

عبارت بودند از: (۱) احترام گذاشتن به دانشجو، (۲) آگاهی و دانش، (۳) در دسترس بودن، (۴) ایجاد فضای مشارکتی، (۵) برخورد یا ارتباط خوب، (۶) سازمان‌یافته یا دارای برنامه بودن، (۷) پاسخ‌گو بودن، (۸) حرفه‌ای بودن، و (۹) شوخ‌طبع بودن. **ویگال و همکاران (۲۰۱۴)** شواهدی در مورد محرک‌های اثربخشی تدریس، به‌وسیله نظرسنجی از ۲۲ مدرس حسابداری دریافت‌کننده جایزه در استرالیا، ارائه کردند. یافته‌های پژوهش آنان شناسایی محرک‌های اثربخشی تدریس بود. این محرک‌ها، به ترتیب اهمیت، عبارت بودند از: تمرکز داشتن دانشجو، تعهد به تدریس به‌عنوان یک حرفه، سطح بالایی از آماده‌سازی/ سازمان‌دهی، توانایی پیوند محتوای موضوعی به محیط عمل و مهارت‌ها و ویژگی‌های مدرس.

ویگال و استوت (۲۰۱۵)، در پژوهشی اقدام به شناسایی بهترین شیوه‌ها برای بهبود تدریس حسابداری، با نظرسنجی از ۱۰۵ مدرس حسابداری دریافت‌کننده جایزه تدریس در ایالات متحده آمریکا، کردند. طبق یافته‌های این پژوهش شش عامل عمده در رابطه با مزیت درک شده برای تدریس، از جمله محیط یادگیری جلسه کلاس، تمرکز دانشجو، آماده‌سازی و سازمان‌دهی، اهمیت قائل شدن برای محیط عمل حسابداری، علاقه و تعهد به تدریس به‌عنوان یک حرفه و طراحی محیط یادگیری دوره آموزشی، شناسایی شد. **ویدا^۱ (۱۹۸۶)** عوامل مؤثر بر تدریس اثربخش مورد تأکید در مطالعات مختلف را شناسایی کرد، این عوامل عبارتند از: (۱) وضوح در ارائه مطالب، (۲) انعطاف‌پذیری، (۳) شور و شوق یا علاقه مدرس، (۴) کار یا تکلیف مرتبط و/یا رفتار منظم مرتبط به عمل، (۵) انتقاد: نقد منفی زیاد اثر منفی بر پیشرفت فراگیران دارد، (۶) فعالیت‌های غیرمستقیم: در نظر گرفتن ایده‌ها، پذیرش احساسات فراگیران و در نتیجه اعمال در فعالیت‌های خود، و (۷) استفاده از توضیحات ترغیب یا تهییج‌کننده (نقل از شیرنر، ۲۰۱۶).

اسماعیل^۲ و همکاران (۲۰۱۷) به شناسایی عوامل مؤثر بر بهبود کیفیت تدریس در دانشگاه، از نظر دانشجویان حسابداری در مالزی، پرداختند. در این پژوهش، عواملی مانند توانایی مدرس در ساده‌سازی مفاهیم دشوار برای سهولت فهم دانشجویان از محتوای موضوع، دانش و توانایی مدرس برای مشاوره و بکارگیری فنون مناسب تدریس در کلاس، به‌عنوان مهمترین عوامل اثرگذار، شناسایی و گزارش شد. **راجیوان^۳ (۲۰۲۰)** در پژوهشی با هدف شناسایی شکاف دانش و عمل در آموزش حسابداری به این نتیجه رسیدند که برای انعکاس روش‌های فعلی حسابداری، دانشجویان باید در مراحل اولیه آموزش دانشگاهی خود در معرض یادگیری تجربی خاص حسابداری و آموزش خاص صنعت قرار گیرند.

طبق بررسی‌های انجام شده، در داخل کشور، به شناسایی عوامل مؤثر بر اثربخشی «تدریس در رشته حسابداری» پرداخته نشده است. با این حال، پژوهشگران داخلی به پژوهش در حوزه «آموزش حسابداری»، به‌طور کلی، پرداخته‌اند که در ادامه تعدادی از آن‌ها آورده می‌شود. **ثقفی و محمدزاده نوین (۱۹۹۲)** در پژوهشی، انجام آموزش به‌وسیله اعضای دانشگاهی با تحصیلات عالی، تطابق آموزش حسابداری با نظام حرفه‌ای و شرایط تجاری و اقتصادی کشور، همکاری و مشارکت بیشتر بین دانشگاهیان و حسابداران حرفه‌ای و ایجاد انجمن‌ها و جامعه‌های حرفه‌ای حسابداری را به‌عنوان مسائل زیربنایی موجود در راه

¹ Weeda

³ Rajeevan

² Ismail

اعتلای آموزش حسابداری در ایران معرفی کردند (نقل از رویایی، ۱۳۷۱). اعتمادی و نیکخواه آزاد (۱۳۷۷) در مطالعه‌ای، عوامل و موانع رشد آموزش حسابداری در ایران را شامل، عدم تأمین مالی استادان که منجر به اشتغال آنان به امور غیر آموزشی- پژوهشی می‌شود و کمبود استادان متخصص، در اولویت اول و دوم، و عدم علاقه دانشجویان به تحصیل در رشته حسابداری، که ناشی از سیستم‌گزینش دانشجو است و ارائه دروس غیر مرتبط با حرفه حسابداری، به‌عنوان اولویت ۲۴ و ۲۵، شناسایی کردند.

نوروش (۱۳۸۲) در پژوهشی به بررسی و تحلیل فرایند تغییر برنامه درسی دوره کارشناسی رشته حسابداری، پرداخت. نتیجه پژوهش وی به ارائه پیشنهاد برنامه درسی نوسازی شده برای دوره کارشناسی رشته حسابداری منجر شد. این برنامه، شامل فهرست دروس (عمومی، اصلی، پایه و تخصصی) و زیرگروه هریک به همراه سرفصل‌های مربوط به هر درس بود. **مجتهدزاده و همکاران (۱۳۸۹)** با نظرسنجی از اعضای هیئت علمی گروه حسابداری دانشگاه‌های دولتی، دانشجویان کارشناسی حسابداری سال آخر و تمامی شاغلان در حرفه حسابداری استان آذربایجان غربی، اهمیت و کفایت دانش و مهارت‌های مورد نیاز برای دانش‌آموختگان رشته حسابداری، را مورد بررسی قرار دادند. یافته پژوهش آنان بیانگر این بود بین دیدگاه‌های سه گروه، در رابطه با اهمیت برخی از دانش و مهارت‌های مطرح شده (شامل مهارت کار با رایانه، آشنایی با تجارت جهانی، توانایی تصمیم‌گیری و غیره) و نیز کفایت ارائه آنها به‌وسیله برنامه کنونی آموزش حسابداری، تفاوت معناداری وجود دارد.

مشایخی و شفیع‌پور (۱۳۹۱) به بررسی سطح کارایی نظام آموزشی رشته حسابداری در ۲۰ دانشگاه دولتی ایران، پرداختند. یافته‌های پژوهش بیانگر این بود آموزش حسابداری ارائه شده در برنامه‌های دوره کارشناسی در سیستم آموزش عالی ایران عموماً کارا بوده است. با این حال، نتایج پژوهش آنان بیانگر وجود مشکلاتی در سطح دانشکده‌ها و گروه‌های آموزشی بود. **عزیزی خالخیلی و حسین‌پور (۱۳۹۵)**، با بررسی دیدگاه دانشجویان و دانش‌آموختگان در خصوص عوامل مؤثر بر کیفیت تدریس استادان، به این نتیجه رسیدند که بین کیفیت تدریس استادان در طول ده نیم‌سال تحت بررسی اختلاف معنی‌دار وجود داشته و از دیدگاه دانشجویان مرتبه علمی، تعداد کل مقالات و سن، و از دیدگاه دانش‌آموختگان مرتبه علمی، تعداد دروس تدریس شده و تجربه کار، بیشترین تأثیر را در ارزیابی آنان از کیفیت تدریس استادان داشته است.

اسدیان و همکاران (۱۳۹۶) به بررسی تدریس اثربخش در آموزش عالی بر اساس تجارب حرفه‌ای استادان و ارتباط آن با تدریس خود-گزارشی پرداختند. نتایج پژوهش آنان بیانگر این بود که استادان دانشگاه مورد بررسی در تدریس خود، به ترتیب اولویت، به مؤلفه‌های حرفه‌ای، فنی و ارتباطی توجه می‌کنند و از دیدگاه آنان بین تدریس اثربخش و تدریس خود-گزارشی رابطه وجود دارد. همچنین، یافته‌های آنان بیانگر این بود که بین میزان توجه استادان به هریک از مؤلفه‌های تدریس اثربخش به تفکیک رشته‌های دانشگاه مورد بررسی تفاوت وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر هدف از نوع پژوهش‌های توسعه‌ای و از نظر ماهیت و روش از نوع پژوهش‌های اکتشافی-پیمایشی است. در این پژوهش به شناسایی عوامل مؤثر بر اثربخشی تدریس در رشته حسابداری پرداخته شده است. به همین منظور، از

اعضای هیئت علمی حسابداری مشغول به تدریس در دانشگاه‌های دولتی کشور نظرسنجی شده است. لذا، قلمرو پژوهش گروه آموزشی حسابداری در دانشگاه‌های دولتی کشور است. تعداد دانشگاه‌های دولتی پذیرنده دانشجوی رشته حسابداری، طبق فهرست دانشگاه‌های درج شده در دفترچه کنکور سراسری سازمان سنجش، با اضافه کردن دانشگاه تربیت مدرس که در سطح کارشناسی دانشجویی پذیرد، ۳۶ دانشگاه شناسایی شده است.

مبنای نظرسنجی در این پژوهش کل اعضای جامعه پژوهش است و از روش نمونه‌گیری استفاده نشده است. جامعه آماری پژوهش شامل ۱۸۸ عضو هیئت علمی حسابداری دانشگاه‌های دولتی کشور است. برای شناسایی اعضای هیئت علمی جامعه پژوهش به تارنمای دانشگاه‌های دولتی پذیرنده دانشجوی رشته حسابداری مراجعه شده است.

داده‌های پژوهش با استفاده از ابزار پرسشنامه حاوی پرسش‌های باز جمع‌آوری شده است. این پرسشنامه شامل سه بخش، از جمله، «مقدمه و مشخصات و سوابق فردی، تحصیلی و تجربی پاسخ‌دهندگان»، «درخواست معرفی محرک‌های تدریس اثربخش» و «درخواست معرفی رفتارهایی که موجب کاهش اثربخشی تدریس می‌شود» است. پرسشنامه مورد استفاده در این پژوهش با بهره‌گیری از پژوهش‌های حسابداری پیشین انجام شده در حوزه تدریس اثربخش در رشته حسابداری (پژوهش استوت و ویگال، ۲۰۱۰؛ و پژوهش ویگال و استوت، ۲۰۱۵)، طراحی شده است.

پرسشنامه نهایی شده از طریق رایانامه و مراجعه حضوری، توزیع و جمع‌آوری و تحلیل شده است. به این ترتیب که ابتدا ۱۵۶ پرسشنامه بین اعضای جامعه پژوهش توزیع شد. با توجه به عدم دریافت پاسخ از هر عضو در ارسالی/های قبلی، حداقل دو بار برای یادآوری پرسشنامه برای آنان ارسال شد، یعنی اعضایی که در تکمیل پرسشنامه مشارکت نکردند در مجموع سه بار پرسشنامه برای آنان ارسال شد. جزئیات تعدادی پرسشنامه‌های ارسالی و تکمیلی در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. تعداد پرسشنامه‌های ارسالی به اعضای جامعه پژوهش و تعداد پرسشنامه تکمیلی

| ردیف | شرح | تعداد |
|------|--|-------|
| ۱ | تعداد کل اعضای هیئت علمی شناسایی شده (۳۶ دانشگاه) | ۱۸۸ |
| ۲ | تعداد عضو درگیر این پژوهش و اعضای با رشته غیر حسابداری (شناسایی شده قبل و بعد از ارسال پرسشنامه)، که در نظرسنجی مشارکت نکرده‌اند | (۳۲) |
| ۳ | جمع کل پرسشنامه‌های ارسالی مؤثر به اعضای هیئت علمی حسابداری | ۱۵۶ |
| ۴ | تعداد پرسشنامه تکمیل نشده | (۸۶) |
| ۵ | کل پرسشنامه‌های تکمیلی وارد تحلیل شده در این پژوهش (۱۹ دانشگاه) | ۷۰ |
| ۶ | درصد پرسشنامه‌های تکمیل شده ($70 \div 156$) | ۴۵٪ |

در رابطه با پایایی و اعتبار، تکرارپذیری نوعی از قابلیت اعتماد یا پایایی است (کرپین دورف، ۲۰۰۴، ص. ۲۱۴). پرسشنامه مورد استفاده در این پژوهش برای کسب نظر اعضای هیئت علمی حسابداری، در مورد شناسایی عوامل مؤثر بر اثربخشی تدریس، طراحی شده است. تکرار زیاد هر یک از موارد معرفی شده به وسیله اعضای جامعه پژوهش، بیانگر وجود پایایی بالای این پرسشنامه است. هم‌چنین، این تکرار بیانگر اشباع عوامل اثرگذار بر تدریس اثربخش است که در این نظرسنجی شناسایی

شده است. اعتبار صوری و اعتبار تجربی، نیز دو نوع از اعتبار یا روایی تلقی می‌شود (کریپن دورف^۱، ۲۰۰۴). در رابطه با اعتبار پرسشنامه مورد استفاده در این پژوهش، با توجه به پرسش/خواسته‌های پرسشنامه که ارائه شد، به وضوح قابل قبول است که این پرسش‌ها دقیقاً همان چیزی را به دست می‌دهد که مورد بررسی این بخش از پژوهش است. یعنی، اطلاعاتی در رابطه با عوامل دارای تأثیر مطلوب و نامطلوب بر اثربخشی تدریس در رشته حسابداری را از اعضای جامعه پژوهش، طلب می‌کند. هم‌چنین، این پرسشنامه با بهره‌گیری از پژوهش‌های حسابداری مربوط پیشین منتشر شده در نشریه‌های معتبر خارجی، با اعمال نظر صاحب‌نظران مربوط، تدوین شده است. لذا، پرسشنامه مورد استفاده در پژوهش حاضر معتبر است.

برای تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده به وسیله پرسشنامه از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. این روش یکی از پرکاربردترین و مهم‌ترین روش‌های پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی است که برای مطالعه محتوای متون از آن استفاده می‌شود (ساعی و همکاران، ۱۳۹۴).

برای تحلیل محتوای پاسخ‌های دریافت شده از مشارکت کنندگان در نظرسنجی، با استفاده از نرم افزار اکسل، عوامل دارای تأثیر مطلوب و عوامل دارای تأثیر نامطلوب معرفی شده آنان، به طور جداگانه تحلیل و طبقه‌بندی شده است. در اجرای روش تحلیل محتوا، برای اطمینان از دقت کدگذاری، در طول کدگذاری عوامل معرفی شده، به طور مداوم کدهای اختصاص یافته قبلی نیز مورد بررسی قرار گرفت. برای قابل اعتماد بودن طبقه‌بندی‌های انجام شده، در زمان دیگری پس از طبقه‌بندی، دسته‌های کلی، زیردسته‌ها و عوامل تکراری قرار گرفته در آنها مورد بررسی قرار گرفت تا هر گونه اشتباه احتمالی موجود در طبقه‌بندی اولیه، رفع شود. در این بررسی، نیز نتیجه‌ای مشابه کدگذاری و طبقه‌بندی اول حاصل شد. هم‌چنین، به همین منظور فهرست عوامل معرفی شده به وسیله اعضای مورد نظرسنجی، به وسیله پژوهشگر همکار مورد بررسی قرار گرفت، که نتیجه این بررسی نیز به تأیید کدگذاری / طبقه‌بندی اولیه منجر شد. در رابطه با اعتبار این تحلیل و طبقه‌بندی، به وضوح قابل قبول است که دسته‌های کلی و زیردسته‌های مربوط استنتاج شده از کلیه عوامل معرفی شده به وسیله اعضای مورد نظرسنجی، به واقعیت‌ها تأکید دارند. لذا، از این جنبه نتیجه این تحلیل دارای اعتبار صوری است. هم‌چنین، از آنجا که نتیجه پژوهش‌های انجام شده در حوزه تدریس اثربخش از استنتاج‌های ایجاد شده در این تحلیل و طبقه‌بندی حمایت می‌کنند، این دسته‌ها و زیردسته‌های استنتاج شده دارای اعتبار تجربی است.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

همانطور که در جدول ۱ نشان داده شد، در نهایت ۷۰ عضو هیئت علمی حسابداری در نظرسنجی این پژوهش مشارکت کردند که در مجموع ۵۷۹ عامل (۳۱۰ عامل دارای تأثیر مطلوب و ۲۶۹ عامل دارای تأثیر نامطلوب) به وسیله آنان معرفی شد. اطلاعات جمعیت‌شناختی پاسخ‌دهندگان در جدول ۲ ارائه شده است.

^۱ Krippendorff

جدول ۲. مشخصات و سوابق فردی، تحصیلی و تجربی پاسخ‌دهندگان (۲۰ نفر)

| درصد (%) | تعداد | شرح | |
|----------|-------|----------------------------------|--|
| ۲۱/۴٪ | ۱۵ | کارشناسی ارشد | مدرک تحصیلی |
| ۷۸/۶٪ | ۵۵ | دکتری | |
| ۲۱/۴٪ | ۱۵ | مربی | |
| ۴۷/۲٪ | ۳۳ | استادیار | رتبه دانشگاهی |
| ۲۱/۴٪ | ۱۵ | دانشیار | |
| ۱۰٪ | ۷ | استاد | |
| ۱۰٪ | ۷ | زن | جنسیت |
| ۹۰٪ | ۶۳ | مرد | |
| ۱۱/۴٪ | ۸ | جامعه حسابداران رسمی ایران | عضویت در مجامع حرفه‌ای |
| ۲/۹٪ | ۲ | کارشناسان رسمی دادگستری | |
| ۲/۹٪ | ۲ | انجمن حساب‌رسان داخلی ایران | |
| ۱/۴٪ | ۱ | انجمن متخصصین امور ذی‌حسابی کشور | |
| ۱/۴٪ | ۱ | انجمن حسابداران رسمی آمریکا | |
| ۸/۶٪ | ۶ | سایر | |
| ۲۰٪ | ۱۴ | تدریس برتر | جوایز کسب شده |
| ۲۱/۴٪ | ۱۵ | پژوهش برتر | |
| ۷/۱٪ | ۵ | کتاب برتر | |
| ۱۱/۴٪ | ۸ | سایر | |
| ۴/۳٪ | ۳ | ۱-۵ | سابقه تدریس-سال (سابقه تدریس یک نفر نامشخص) |
| ۲۵/۷٪ | ۱۸ | ۵-۱۰ | |
| ۲۰٪ | ۱۴ | ۱۰-۱۵ | |
| ۱۷/۱٪ | ۱۲ | ۱۵-۲۰ | دانشگاه محل فعالیت پاسخ‌دهندگان |
| ۳۱/۴٪ | ۲۲ | بیشتر از ۲۰ | |
| ۱/۴٪ | ۱ | ارومیه | |
| ۵/۷٪ | ۴ | الزهرا (س) | |
| ۱/۴٪ | ۱ | بجنورد | |
| ۲/۹٪ | ۲ | بوعلی سینا | |
| ۱/۴٪ | ۱ | بین‌المللی امام خمینی (ره) | |
| ۵/۷٪ | ۴ | تربیت مدرس | |
| ۱۲/۹٪ | ۹ | تهران-دانشکده مدیریت | |
| ۱/۴٪ | ۱ | تهران-فارابی | |
| ۷/۱۵٪ | ۵ | خلیج فارس | |
| ۴/۳٪ | ۳ | خوارزمی | |

| شرح | تعداد | درصد (%) |
|------------------|-------|----------|
| رازی-کرمانشاه | ۶ | ۸/۶٪ |
| شهید باهنر کرمان | ۲ | ۲/۹٪ |
| شهید بهشتی | ۳ | ۴/۳٪ |
| شهید چمران اهواز | ۷ | ۱۰٪ |
| شیراز | ۴ | ۵/۷٪ |
| صنعت نفت-تهران | ۳ | ۴/۳٪ |
| علامه طباطبائی | ۱۲ | ۱۷/۱۵٪ |
| فردوسی مشهد | ۱ | ۱/۴٪ |
| لرستان | ۱ | ۱/۴٪ |

عوامل دارای تأثیر مطلوب بر اثربخشی تدریس

در بخشی از پرسشنامه مورد استفاده در این پژوهش از اعضای هیئت علمی جامعه پژوهش خواسته شد که حداقل 3 و حداکثر 5 عامل یا ویژگی را که با توجه به تجربه خود فکر می‌کنند، به ترتیب اهمیت، بر بهبود کیفیت تدریس در رشته حسابداری تأثیر دارد را معرفی کنند. مشارکت کنندگان در نظرسنجی در مجموع 310 عامل معرفی کردند که به تحلیل محتوای این عوامل پرداخته شد. به این ترتیب که، ابتدا کلیه عوامل موجود در اولویت اول اعضا، در 70 پرسشنامه، بازنویسی و با هم ترکیب شد و به همین ترتیب برای اولویت‌های دوم تا پنجم نیز عمل شد، تا اولویت‌های مورد نظر اعضا حفظ شود. سپس، بدون توجه به اولویت‌ها، به عوامل تکراری معرفی شده کدهای یکسان اختصاص داده شد. به‌عنوان نمونه، به کلیه عوامل معرفی شده مربوط به «تسلط استاد در موضوع مورد تدریس»، کد 2 داده شد. در مرحله بعد، با حفظ اولویت‌ها، تمام کدهای یکسان با هم ترکیب و بازنویسی شد. به‌عنوان نمونه 56 عامل دارای کد 2 با هم ترکیب شد، که 26 مورد آن در اولویت اول، 15 مورد آن در اولویت دوم، 9 مورد آن در اولویت سوم، 3 مورد آن در اولویت چهارم و 3 مورد آن در اولویت پنجم اعضا قرار داشت. سپس، با توجه به عوامل تکراری و موضوع آن‌ها، شش دسته کلی تعریف شد که تعدادی از کدهای تعریف شده در هر یک از این دسته‌ها قرار گرفت. از این رو، برای هر یک از کدها یک عنوان زیردسته تعریف شد. بنابراین، نتیجه این تحلیل و طبقه‌بندی شناسایی شش دسته کلی عوامل دارای تأثیر مطلوب بر اثربخشی تدریس و تعدادی زیردسته برای هر یک از آن‌ها بود. به‌عنوان نمونه، «عوامل مرتبط با ویژگی استاد» به عنوان یک دسته کلی و «علاقه استاد به رشته حسابداری، تدریس در این رشته و موضوع مورد تدریس»، «سطح دانش و تسلط استاد به موضوع مورد تدریس»، «تجربه عملی استاد در رابطه با موضوع مورد تدریس» و «سایر عوامل مرتبط با ویژگی‌های استاد»، چهار زیردسته بود که به این دسته کلی اختصاص داده شد. در ادامه نتیجه این تحلیل تشریح شده است. در جدول 3 نیز خلاصه‌ای از نتیجه تحلیل و طبقه‌بندی این عوامل ارائه می‌شود. عوامل شناسایی شده دارای تأثیر مطلوب بر اثربخش واقع شدن تدریس استاد در رشته حسابداری:

1. عوامل مرتبط با محتوای آموزشی و ابزارها و روش‌های تدریس: از 310 موردی که به‌عنوان عوامل مهم در اثربخشی تدریس استاد به‌وسیله اعضای مورد مطالعه معرفی شد، تأکید 113 مورد آن بر اهمیت محتوای آموزشی و ابزارها و روش‌های

تدریس استاد برای اثربخش واقع شدن تدریس است. از نظر تکرار این عامل دارای بیشترین تکرار و از نظر وزن/امتیاز اولویت-های اعضا با ۳۳۴ امتیاز دارای اولویت دوم است. موارد معرفی شده در این دسته به هفت زیردسته طبقه‌بندی شده است، از جمله: (۱) مشارکت دانشجو در مباحث کلاس (۳۰ مورد)؛ (۲) استفاده از منابع درسی معتبر و منطبق با آخرین دستاوردهای علمی مربوط (۲۴ مورد)؛ (۳) مطرح کردن موضوعات کاربردی و متناسب با نیازهای حرفه (۲۲ مورد)؛ (۴) استفاده از ابزارها و روش‌های نوین تدریس (۱۳ مورد)؛ (۵) استفاده از شیوه‌های مناسب ارزیابی (۱۰ مورد)؛ (۶) ارائه تکالیف مناسب و ترویج روحیه (فرهنگ) کار گروهی (۷ مورد)؛ و (۷) ارائه طرح کلی درس در ابتدای دوره (۷ مورد).

۲. عوامل مرتبط با ویژگی‌های استاد (مدرس): ۱۰۷ مورد معرفی شده از عوامل تأثیرگذار بر مطلوب واقع شدن تدریس، در این دسته قرار گرفته است. این عامل از نظر تکرار در اولویت دوم و از نظر وزن/امتیاز اولویت‌های پاسخ‌دهندگان با ۴۰۸ امتیاز دارای اولویت اول است. عوامل قرار گرفته در این دسته، به چهار زیردسته طبقه‌بندی شده است که عبارتند از: (۱) سطح دانش استاد و تسلط وی به موضوع مورد تدریس (۵۶ مورد)؛ (۲) علاقه استاد به رشته حسابداری، تدریس در این رشته و موضوع مورد تدریس (۳۳ مورد)؛ (۳) تجربه عملی استاد در رابطه با موضوع مورد تدریس (۱۱ مورد)؛ و (۴) سایر عوامل مرتبط با ویژگی‌های استاد، از جمله مهارت استاد در بیان مطالب، وجدان کاری استاد، اخلاق خوب و برخورد مناسب استاد (۷ مورد).

۳. عوامل انگیزشی: ۳۷ مورد از موارد معرفی شده به عوامل انگیزشی از جمله انگیزه استاد به تدریس، انگیزه دانشجو برای درس خواندن و کسب دانش و تعامل مناسب بین استاد و دانشجو، مربوط است. این ۳۷ مورد به سه زیردسته طبقه‌بندی شده است، از جمله: (۱) انگیزه استاد به تدریس، شامل تأمین مالی وی و ارزیابی درون گروهی و ایجاد سیستم پاداش و تنبیه مناسب (۱۶ مورد)؛ (۲) تعامل سازنده بین استاد و دانشجو (۱۱ مورد)؛ و (۳) انگیزه دانشجو برای درس خواندن و کسب دانش (۱۰ مورد).

۴. عوامل مرتبط با ویژگی‌های دانشجو: از مجموع عامل اثرگذار معرفی شده به وسیله اعضای هیئت علمی حسابداری پاسخ‌دهنده، برای مؤثر واقع شدن تدریس، ۲۱ مورد به ویژگی‌های دانشجو مربوط است. موضوعات قرار گرفته در این دسته عبارتند از: (۱) سطح علمی دانشجویان (۱۱ مورد)؛ (۲) علاقه دانشجویان به رشته حسابداری (۵ مورد)؛ و (۳) کیفیت دانشجویان پذیرفته شده در رشته حسابداری (۵ مورد).

۵. عوامل ساختاری و محیطی (۱۹ مورد): موضوعاتی که در این دسته قرار گرفته‌اند عبارت است از: (۱) امکانات فیزیکی مناسب محیط کلاس (۱۲ مورد)؛ و (۲) تعداد دانشجویان کلاس و زمان برگزاری کلاس (۷ مورد).

۶. سایر عوامل اثرگذار: ۱۳ مورد از عواملی که پاسخ‌دهندگان، به‌عنوان عوامل اثرگذار بر تدریس اثربخش، معرفی کردند را نمی‌توان در هیچ یک از دسته‌های قبلی قرار داد. بنابراین، این موارد در دسته سایر موارد اثرگذار بر تدریس اثربخش، طبقه‌بندی شده است. این عوامل به مواردی مانند حضور به موقع دانشجویان در کلاس و مسائل انضباطی اشاره دارد.

جدول ۳. عوامل دارای تأثیر مطلوب بر اثربخشی تدریس استادان در رشته حسابداری (۳۱۰ مورد)

| شماره دسته | طبقه/دسته | اولویت پاسخ | تعداد پاسخ در هر اولویت | وزن/امتیاز پاسخ* |
|------------|---|-------------|-------------------------|------------------|
| ۱ | عوامل مرتبط با محتوای آموزشی و ابزارها و روش های تدریس (۱۱۳ مورد) | ۱ | ۱۸ | ۹۰ |
| | | ۲ | ۲۴ | ۹۶ |
| | | ۳ | ۲۹ | ۸۷ |
| | | ۴ | ۱۹ | ۳۸ |
| | | ۵ | ۲۳ | ۲۳ |
| | جمع | - | ۱۱۳ | ۳۳۴ |
| ۲ | عوامل مرتبط با ویژگی های استاد (۱۰۷ مورد) | ۱ | ۴۲ | ۲۱۰ |
| | | ۲ | ۲۸ | ۱۱۲ |
| | | ۳ | ۱۸ | ۵۴ |
| | | ۴ | ۱۳ | ۲۶ |
| | | ۵ | ۶ | ۶ |
| | جمع | - | ۱۰۷ | ۴۰۸ |
| ۳ | عوامل انگیزشی (۳۷ مورد) | ۱ | ۳ | ۱۵ |
| | | ۲ | ۱۱ | ۴۴ |
| | | ۳ | ۹ | ۲۷ |
| | | ۴ | ۱۰ | ۲۰ |
| | | ۵ | ۴ | ۴ |
| | جمع | - | ۳۷ | ۱۱۰ |
| ۴ | عوامل مرتبط با ویژگی های دانشجویان (۲۱ مورد) | ۱ | ۶ | ۳۰ |
| | | ۲ | ۷ | ۲۸ |
| | | ۳ | ۳ | ۹ |
| | | ۴ | ۲ | ۴ |
| | | ۵ | ۳ | ۳ |
| | جمع | - | ۲۱ | ۷۴ |
| ۵ | عوامل ساختاری و محیطی (۱۹ مورد) | ۱ | ۰ | ۰ |
| | | ۲ | ۲ | ۸ |
| | | ۳ | ۴ | ۱۲ |
| | | ۴ | ۳ | ۶ |
| | | ۵ | ۱۰ | ۱۰ |
| | جمع | - | ۱۹ | ۳۶ |
| ۶ | سایر عوامل اثرگذار، مانند حضور به قوع دانشجویان در کلاس و مسائل انضباطی (۱۳ مورد) | ۱ | ۲ | ۱۰ |
| | | ۲ | ۳ | ۱۲ |

| شماره دسته | طبقه/دسته | اولویت پاسخ | تعداد پاسخ در هر اولویت | وزن/امتیاز پاسخ* |
|------------|-----------|-------------|-------------------------|------------------|
| | | ۳ | ۲ | ۶ |
| | | ۴ | ۵ | ۱۰ |
| | | ۵ | ۱ | ۱ |
| | جمع | - | ۱۳ | ۳۹ |

*امتیاز ۵ برای اولویت اول، امتیاز ۴ برای اولویت دوم، امتیاز ۳ برای اولویت سوم، امتیاز ۲ برای اولویت چهارم و امتیاز ۱ برای اولویت پنجم.

عوامل دارای تأثیر نامطلوب بر اثربخشی تدریس

در بخش پایانی پرسشنامه مورد استفاده در پژوهش حاضر از اعضای هیئت علمی جامعه پژوهش خواسته شد که حداکثر ۵ عامل یا رفتاری را که با توجه به تجربه خود فکر می‌کنند، به ترتیب اهمیت، بر اثربخشی تدریس در رشته حسابداری تأثیر نامطلوب دارد و باید در فرآیند تدریس حسابداری از آن‌ها اجتناب شود را معرفی کنند. به طور کلی ۲۶۹ عامل به وسیله پاسخ-دهندگان معرفی شد. این عوامل به ۱۲ دسته کلی، به شرح زیر، طبقه‌بندی شد. در جدول ۴ نیز خلاصه‌ای از نتیجه این طبقه‌بندی ارائه شده است. هم‌چنین، در شکل شماره ۱ خلاصه‌ای از یافته‌های پژوهش به نمایش گذاشته شده است.

عوامل شناسایی شده دارای تأثیر نامطلوب بر اثربخش واقع شدن تدریس استاد در رشته حسابداری عبارتند از: (۱) عوامل ساختاری و محیطی (۴۰ مورد)؛ (۲) پایین بودن علاقه، انگیزه و سطح علمی دانشجو (۳۰ مورد)؛ (۳) عدم تسلط استاد به موضوع مورد تدریس، به دلیل بی‌علاقه بودن وی نسبت به رشته حسابداری، تدریس یا موضوع مورد تدریس، تعدد شغل و مطالعه ناکافی در حوزه مورد تدریس (۲۸ مورد)؛ (۴) بی‌توجهی یا برخورد اخلاقی نادرست استاد نسبت به دانشجویان، تبعیض قائل شدن بین دانشجویان و بیان مطالبی که موجب کم شدن علاقه دانشجویان نسبت به رشته حسابداری می‌شود (۲۷ مورد)؛ (۵) شیوه تدریس غیرفعالانه (۲۱ مورد)؛ (۶) استفاده نکردن از منابع آموزشی معتبر و به‌روز (۱۹ مورد)؛ (۷) مسائل انضباطی (۱۹ مورد)؛ (۸) انعطاف ناپذیری استاد و تعامل نامناسب وی با دانشجو (۱۵ مورد)؛ (۹) توجه نکردن یا توجه محدود استاد به جنبه‌های عملی رشته حسابداری در بیان مطالب (۱۲ مورد)؛ (۱۰) سطحی نگری و نگاه ژورنالیستی استاد به تدریس به جای نگاه علمی و آکادمیک و تأکید وی بر حفظ کردن مطالب به جای تأکید بر یادگیری و درک عمیق آن (۱۲ مورد)؛ (۱۱) نبود انسجام در ارائه مطالب و ارائه نکردن طرح کلی درس (۹ مورد)؛ و (۱۲) سایر عوامل اثرگذار (۳۹ مورد).

جدول ۴. عوامل دارای تأثیر نامطلوب بر اثربخشی تدریس در رشته حسابداری (۲۶۹ مورد)

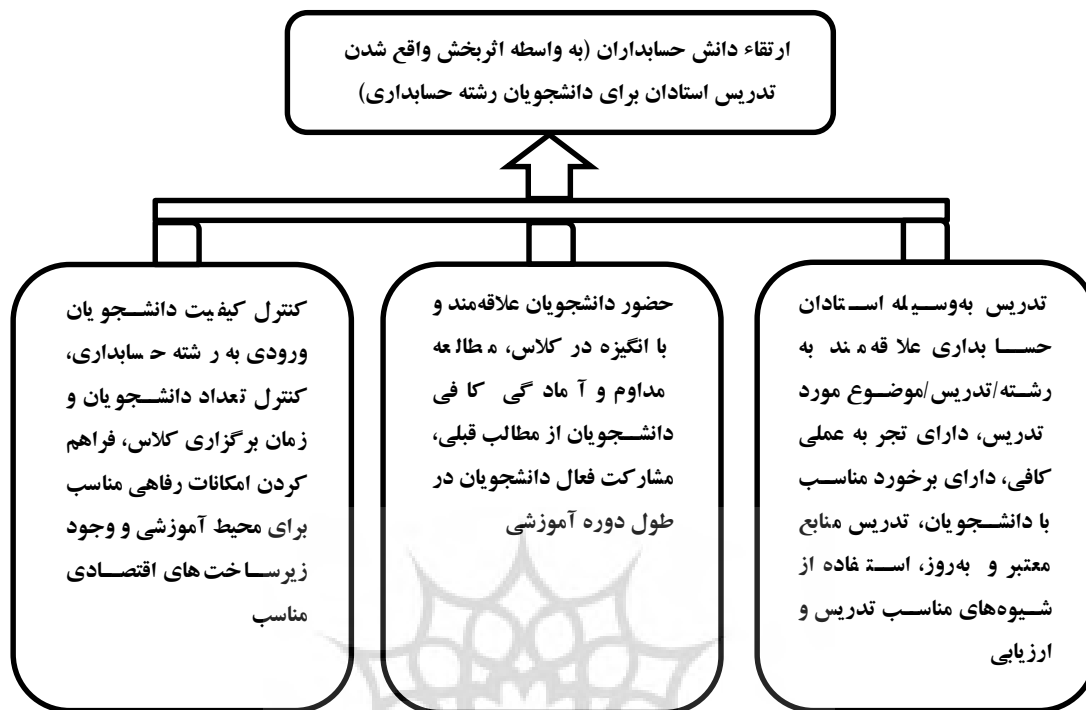
| شماره دسته | دسته | اولویت پاسخ | تعداد پاسخ | وزن/امتیاز پاسخ* |
|------------|---|-------------|------------|------------------|
| | عوامل ساختاری و محیطی (۴۰ مورد): شامل نبود یا ناکافی بودن امکانات | ۱ | ۴ | ۲۰ |
| | آموزشی و رفاهی مناسب، تعداد زیاد دانشجویان در کلاس، زمان نامناسب | ۲ | ۸ | ۳۲ |
| | برگزاری کلاس، عدم هماهنگی استادان رشته در گروه حسابداری برای | ۳ | ۱۳ | ۳۹ |
| | تدریس باکیفیت، عدم نظارت درست از سوی دانشگاه و زیر ساخت های | ۴ | ۱۰ | ۲۰ |
| | اقتصادی نامناسب. | ۵ | ۵ | ۵ |
| | جمع | - | ۴۰ | ۱۱۶ |

| شماره دسته | دسته | اولویت پاسخ | تعداد پاسخ | وزن/امتیاز پاسخ* |
|------------|---|-------------|------------|------------------|
| | | ۱ | ۹ | ۴۵ |
| | | ۲ | ۹ | ۳۶ |
| | | ۳ | ۴ | ۱۲ |
| | | ۴ | ۴ | ۸ |
| | | ۵ | ۴ | ۴ |
| | جمع | - | ۳۰ | ۱۰۵ |
| ۲ | پایین بودن علاقه، انگیزه و سطح علمی دانشجو (۳۰ مورد). | ۱ | ۱۱ | ۵۵ |
| | | ۲ | ۸ | ۳۲ |
| | | ۳ | ۳ | ۹ |
| | | ۴ | ۳ | ۶ |
| | | ۵ | ۳ | ۳ |
| | جمع | - | ۲۸ | ۱۰۵ |
| ۳ | عدم تسلط استاد به موضوع مورد تدریس (۲۸ مورد): علت آن می‌تواند بی‌علاقه بودن وی نسبت به رشته حسابداری، تدریس یا موضوع مورد تدریس، تعدد شغل و عدم مطالعه کافی در حوزه مورد تدریس، باشد. | ۱ | ۱۱ | ۵۵ |
| | | ۲ | ۸ | ۳۲ |
| | | ۳ | ۳ | ۹ |
| | | ۴ | ۳ | ۶ |
| | | ۵ | ۳ | ۳ |
| | جمع | - | ۲۸ | ۱۰۵ |
| ۴ | بی توجهی یا برخورد اخلاقی نادرست استاد نسبت به دانشجویان، تبعیض قائل شدن بین دانشجویان و بیان مطالبی که موجب تضعیف علاقه دانشجویان نسبت به رشته حسابداری می‌شود (۲۷ مورد). | ۱ | ۱۱ | ۵۵ |
| | | ۲ | ۱۰ | ۴۰ |
| | | ۳ | ۲ | ۶ |
| | | ۴ | ۲ | ۴ |
| | | ۵ | ۲ | ۲ |
| | جمع | - | ۲۷ | ۱۰۷ |
| ۵ | شیوه تدریس غیر فعالانه (۲۱ مورد): غیر فعال بودن استاد در امر تدریس و غیر فعال بودن دانشجو در طول دوره یا تأکید بیش از حد به دانشجو در ارائه مطالب. | ۱ | ۸ | ۴۰ |
| | | ۲ | ۶ | ۲۴ |
| | | ۳ | ۲ | ۶ |
| | | ۴ | ۴ | ۸ |
| | | ۵ | ۱ | ۱ |
| | جمع | - | ۲۱ | ۷۹ |
| ۶ | عدم استفاده از منابع آموزشی معتبر و به‌روز (۱۹ مورد). | ۱ | ۴ | ۲۰ |
| | | ۲ | ۱ | ۴ |
| | | ۳ | ۱۱ | ۳۳ |
| | | ۴ | ۱ | ۲ |
| | | ۵ | ۲ | ۲ |
| | جمع | - | ۱۹ | ۶۱ |
| ۷ | مسائل انضباطی (۱۹ مورد): عدم حضور یا عدم حضور به موقع دانشجو و/یا استاد در کلاس. | ۱ | ۵ | ۲۵ |
| | | ۲ | ۶ | ۲۴ |
| | | ۳ | ۵ | ۱۵ |
| | | ۴ | ۲ | ۴ |

۱۱۲/ دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های دولتی در خصوص عوامل مؤثر بر اثربخشی تدریس حسابداری

| شماره دسته | دسته | اولویت پاسخ | تعداد پاسخ | وزن/امتیاز پاسخ* |
|------------|--|-------------|------------|------------------|
| | | ۵ | ۱ | ۱ |
| | جمع | - | ۱۹ | ۶۹ |
| | | ۱ | ۸ | ۴۰ |
| | | ۲ | ۲ | ۸ |
| | | ۳ | ۴ | ۱۲ |
| | | ۴ | ۱ | ۲ |
| | | ۵ | ۰ | ۰ |
| | جمع | - | ۱۵ | ۶۲ |
| | | ۱ | ۳ | ۱۵ |
| | | ۲ | ۳ | ۱۲ |
| | | ۳ | ۱ | ۳ |
| | | ۴ | ۱ | ۲ |
| | | ۵ | ۴ | ۴ |
| | جمع | - | ۱۲ | ۳۶ |
| | | ۱ | ۲ | ۱۰ |
| | | ۲ | ۳ | ۱۲ |
| | | ۳ | ۱ | ۳ |
| | | ۴ | ۳ | ۶ |
| | | ۵ | ۱ | ۱ |
| | جمع | - | ۱۰ | ۳۲ |
| | | ۱ | ۱ | ۵ |
| | | ۲ | ۳ | ۱۲ |
| | | ۳ | ۴ | ۱۲ |
| | | ۴ | ۰ | ۰ |
| | | ۵ | ۱ | ۱ |
| | جمع | - | ۹ | ۳۰ |
| | | ۱ | ۳ | ۱۵ |
| | | ۲ | ۹ | ۳۶ |
| | | ۳ | ۱۲ | ۳۶ |
| | | ۴ | ۱۰ | ۲۰ |
| | | ۵ | ۵ | ۵ |
| | جمع | - | ۳۹ | ۱۱۲ |
| ۸ | انعطاف ناپذیری استاد و عدم تعامل مناسب وی با دانشجو (۱۵ مورد): انعطاف ناپذیری استاد، ایجاد فضای خشک و خشن در کلاس، عدم ارتباط مناسب استاد و دانشجو و نقدپذیر نبودن استاد. | | | |
| ۹ | عدم توجه یا توجه محدود استاد به جنبه‌های عملی رشته حسابداری در بیان مطالب (۱۲ مورد): رابطه ضعیف/ فاصله زیاد دانشگاه و صنعت و دوری استاد از حرفه. | | | |
| ۱۰ | سطحی نگری و نگاه ژورنالیستی استاد به تدریس به جای نگاه علمی و آکادمیک و تأکید وی بر حفظ کردن مطالب به جای تأکید بر یادگیری و درک عمیق آن (۱۰ مورد): سطحی نگری و تطبیق رفتار با امور ظاهری فرآیند آموزش به جای نگاه علمی و آکادمیک، کم‌گویی استاد و اتلاف وقت در مسائل حاشیه‌ای و فرعی و تأکید استاد بر حفظ مطالب به جای درک عمیق مفاهیم. | | | |
| ۱۱ | نبود انسجام در ارائه مطالب و ارائه نکردن طرح کلی درس (۹ مورد). | | | |
| ۱۲ | سایر عوامل اثرگذار (۳۹ مورد): شامل توجه بیش از حد دانشجو به کار کردن یا اشتغال، مطلع نکردن دانشجویان به اهمیت رشته حسابداری، کم‌اهمیت تلقی کردن درس‌های پایه‌ای مانند اصول حسابداری، ضعف استاد در انتقال مطالب و شیوه تدریس وی، ارزیابی دانشجو صرفاً در پایان نیم سال و تعدد شغل استاد. | | | |

* امتیاز ۵ برای اولویت اول، امتیاز ۴ برای اولویت دوم، امتیاز ۳ برای اولویت سوم، امتیاز ۲ برای اولویت چهارم و امتیاز ۱ برای اولویت پنجم.



شکل ۱. مدل استخراج شده از تحلیل پیشنهادهای ۷۰ هیئت علمی حسابداری در رابطه با اثربخشی واقع شدن تدریس استاد

نتیجه گیری و پیشنهادها

در این پژوهش به شناسایی عوامل مؤثر بر ارتقا سطح اثربخشی تدریس استادان حسابداری، به عنوان محرک اصلی ارتقا دهنده کیفیت و اثربخشی آموزش حسابداری، پرداخته شد. برای شناسایی این عوامل از اعضای هیئت علمی بخش حسابداری دانشگاه های دولتی کشور نظرسنجی شد. مشارکت کنندگان در این نظرسنجی ۷۰ عضو هیئت علمی حسابداری بودند که در مجموع ۵۷۹ عامل مهم اثرگذار بر اثربخشی تدریس استادان، از طرف آنان معرفی شد. از این عوامل، ۳۱۰ مورد به عوامل دارای تأثیر مطلوب و ۲۶۹ مورد به عوامل دارای تأثیر نامطلوب بر اثربخشی تدریس، مربوط است. با توجه به توافق بین استادان در مورد اثرگذاری این عوامل، به دلیل وجود تکرار زیاد عوامل مؤثر معرفی شده به وسیله آنان، با استفاده از روش تحلیل محتوا، با قرار دادن عوامل تکراری معرفی شده در یک دسته کلی، مجموع عوامل معرفی شده به وسیله آنان، به ۶ دسته عوامل دارای تأثیر مطلوب و ۱۲ دسته عوامل دارای تأثیر نامطلوب بر اثربخشی تدریس استادان در رشته حسابداری، طبقه بندی شد. یافته های پژوهش حاضر مطابق با یافته های پژوهش های **شرمن و همکاران، ۱۹۸۷** (عوامل مرتبط با استاد در اثربخشی تدریس: علاقه، وضوح، آمادگی/سازمان دهی، ایجاد کننده انگیزه و علاقه به دانش)؛ **یانگ و شاو، ۱۹۹۹** (عوامل مرتبط با استاد در اثربخشی تدریس: اهمیت دادن به یادگیری دانشجویان، ارتباط مؤثر، سازمان دهی دوره، فضای یادگیری راحت، ایجاد انگیزه در دانشجو به انجام بهترین عمل و با ارزش بودن دوره)؛ **استیس و استوکز، ۲۰۰۰** (عوامل مؤثر بر اثربخشی تدریس: محتوای دوره، سازوکارهای کلاس درس، فنون تدریس، مشارکت دانشجو و محیط یادگیری مناسب)؛ **پولک، ۲۰۰۶** (عوامل مرتبط با

استاد در اثربخشی تدریس: پیشینه خوب عملکرد دانشگاهی، مهارت‌های ارتباطی، خلاقیت، حرفه‌ای گرا بودن، دانش آموزشی، ارزیابی و سنجش دقیق و مناسب دانشجو، پیشرفت خود یا یادگیری مداوم، خصوصیات فردی، دانش محتوایی حوزه مورد نظر و توانایی الگوسازی مفاهیم در حوزه محتوای آن‌ها؛ **جرنی، ۲۰۰۷** (عوامل مؤثر بر تدریس خوب: دانش مدرس، علاقه و مسئولیت‌پذیری وی برای یادگیری دانشجویان، فعالیت‌های کلاس درس که یادگیری را تشویق می‌کنند، فعالیت‌های ارزیابی که یادگیری از طریق تجربه را تشویق می‌کند، بازخورد مؤثر که فرایند یادگیری در کلاس درس را فراهم می‌کند و تعامل مؤثر بین استاد و دانشجویان و ایجاد محیطی که یادگیری از طریق تجربه را محترم می‌شمارد، تشویق و تحریک می‌کند)؛ **ارگین، ۲۰۱۰** (عوامل مؤثر بر اثربخشی تدریس: رویکرد تحلیلی/ترکیبی، سازمان‌دهی/وضوح تدریس، تعامل گروهی مدرس، تعامل فردی مدرس با دانشجویان و پویایی/علاقه مدرس)؛ **استوت و ویگال، ۲۰۱۰** (عوامل دارای تأثیر نامطلوب بر اثربخشی تدریس: نگرش‌های منفی یا بی‌توجهی به دانشجویان و کلاس، آماده‌سازی/سازمان‌دهی نامناسب دوره آموزشی، ناقص یا ناکافی بودن مهارت‌های ارائه شده دوره، اشتباهات در آزمون/ارزیابی، قاطع یا خشک/انعطاف‌ناپذیری/رفتار یا خواسته‌های دست‌نیافتنی، ناآگاهی یا نداشتن تجربه عملی، عوامل بیرونی/متغیرهای غیرقابل کنترل و نداشتن مهارت‌های بین فردی)؛ **دلانی و همکاران، ۲۰۱۰** (عوامل مرتبط با استاد در اثربخشی تدریس: احترام به دانشجو، دانش، قابل دسترس بودن، ایجاد فضای مشارکتی، خوش برخورد بودن، سازمان‌دهی، پاسخگو بودن، حرفه‌ای بودن و شوخ‌طبع بودن)؛ **ویگال و همکاران، ۲۰۱۴** (محرک‌های اثربخشی تدریس استاد: تمرکز داشتن دانشجو، تعهد استاد به تدریس به‌عنوان یک حرفه، سطح بالایی از آماده‌سازی/سازمان‌دهی، توانایی پیوند محتوای موضوعی به محیط عمل و مهارت‌ها و ویژگی‌های مدرس)؛ **ویگال و استوت، ۲۰۱۵** (عوامل مؤثر بر بهبود تدریس: محیط یادگیری کلاس، تمرکز دانشجو، آماده‌سازی و سازمان‌دهی، اهمیت قائل شدن برای محیط عمل حسابداری، علاقه و تعهد به تدریس به‌عنوان یک حرفه و طراحی محیط یادگیری دوره آموزشی)، است.

این موضوع بیانگر روایی بالای یافته‌های این پژوهش است. بنابراین، لحاظ کردن عوامل شناسایی شده در این پژوهش در فرایند تدریس استادان رشته حسابداری، می‌تواند موجب افزایش کیفیت و اثربخشی تدریس آنان شود. از این رو، با توجه به توافق بین اعضای هیئت علمی حسابداری روی عوامل مؤثر بر اثربخشی تدریس شناسایی شده در این پژوهش، پیشنهاد می‌شود: استادان فعال در حوزه تدریس رشته حسابداری، برای اثربخش واقع شدن تدریس خود، عوامل دارای تأثیر مطلوب بر اثربخشی تدریس شناسایی شده مربوط در این پژوهش را، طی فرایند تدریس، در دستور کار خود قرار داده و آن‌ها را در عمل و حین آموزش به مرحله اجرا گذاشته و از بکارگیری عوامل دارای تأثیر نامطلوب بر اثربخشی تدریس شناسایی شده مربوط، در فرایند تدریس خود، خودداری کنند؛ مرکز/هیئت جذب استادان حسابداری، هنگام گزینش متقاضیان به سطح علمی و علاقه آنان به رشته حسابداری و تدریس در این رشته، به‌عنوان یک عامل مهم، توجه بیشتری مبذول کنند؛ از آن‌جا که دانش-آموختگان دانشگاه‌ها نقش اساسی در پیشرفت کشور دارند، برای افزایش انگیزه استادان در فرایند تدریس و آماده‌سازی بهتر این دانش‌آموختگان، نسبت به سایر مشاغل، به تأمین نیازهای استادان، با توجه به وجود بازار کارهای موازی و جذاب به ویژه از نظر حقوق و مزایا، توجه بیشتری شود؛ مسئولین گروه (بخش)‌های حسابداری، نظارت بیشتر بر عملکرد استادان آن بخش

داشته باشند و عملکرد استادان بر مبنای معیارهای مصوب و درست ارزیابی کرده تا موجب افزایش انگیزه استادان حسابداری شود؛ و اعضای فعال در رشته حسابداری، این رشته را بیش از پیش به جامعه معرفی کنند و نیز خواستار اعمال کنترل بیشتری برای ورود دانشجویان به رشته حسابداری باشند تا افراد توانمندتر و علاقه‌مندتر برای تحصیل در این رشته پذیرفته شوند.

در پژوهش حاضر برای شناسایی عوامل مؤثر بر اثربخشی تدریس، فقط از اعضای هیئت علمی حسابداری دانشگاه‌های دولتی کشور نظرسنجی شد، به پژوهشگران آینده پیشنهاد می‌شود برای شناسایی این عوامل از استادان سایر دانشگاه‌ها، دانشجویان و اعضای حرفه نیز نظرسنجی شده و نتایج آن با نتایج این پژوهش مقایسه شود.

در نهایت، محدودیت پژوهش این بود که به دلیل باز (تشریحی) بودن پرسش‌های اصلی مطرح شده در پرسشنامه مورد استفاده در این پژوهش، ۷۰ نفر (۴۵٪) از ۱۵۶ عضو هیئت علمی مورد نظرسنجی، در تکمیل این پرسشنامه مشارکت کردند.

تقدیر و تشکر

بدینوسیله از معاونت محترم تحقیقات و فناوری دانشگاه شیراز به خاطر حمایت معنوی در اجرای پژوهش حاضر سپاسگزاری می‌شود. همچنین از مشارکت کنندگان در نظرسنجی این تحقیق تشکر و قدردانی می‌شود.

منابع

اسدیان، سیروس؛ پیری، موسی و سعادت فر، رحمت (۱۳۹۶). تدریس اثربخش در آموزش عالی بر اساس تجارب حرفه‌ای استادان و ارتباط آن با تدریس خود گزارشی. *مطالعات برنامه درسی آموزش عالی*، ۱۵، ۱۳۴-۱۱۳.

اعتمادی، حسین و نیک خواه آزاد، علی (۱۳۷۷). شناسایی عوامل و موانع رشد آموزش حسابداری در ایران و ارائه برنامه کارا و کارآمد. *مدرس علوم انسانی*، ۶، ۱۰۲-۱۲۱.

بدری، احمد (۱۳۷۲). رویکرد فلسفی در آموزش حسابداری. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲ (۶ و ۷)، ۲۳-۵.

ثقفی، علی و محمدزاده نوین، عادل (۱۳۷۱). اعتلاء آموزش حسابداری در کشورهای در حال رشد: بررسی موردی ایران. (رمضانعلی رویایی: مترجم). *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۱ (۲)، ۹۰-۸۰.

درگاهی، حسین؛ حموزاده، پژمان؛ صادقی فر، جمیل؛ زعد آبادی، مهدی؛ روشنی، محمد؛ سلیمی، محمد و سلطانزاده، پریناز. (۱۳۸۹). ارزیابی معیارهای یک استاد توانمند برای تدریس اثربخش از دیدگاه دانشجویان پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران. *پیاورد سلامت*، ۴ (۳ و ۴)، ۹۸-۹۱.

ساعی، محمدجواد؛ لاری دشت‌بیاض، محمود و فاتح گوش، حسین (۱۳۹۴). بررسی و تحلیل محتوای تحقیقات علمی - پژوهشی حسابرسی در دو دهه اخیر. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۲ (۳)، ۲۲۰-۲۰۳.

سیف، علی اکبر (۱۳۹۲). روانشناسی پرورشی نوین: روانشناسی یادگیری و آموزش. (ویرایش هفتم). تهران، ایران: نشر دوران.

شعبانی، حسن (۱۳۸۵). مهارت‌های آموزشی: روش‌ها و فنون تدریس. (چاپ سوم). تهران، ایران: انتشارات سمت.

شیربگی، ناصر (۱۳۹۲). تحلیلی بر منابع سوگیری و خطا در ارزشیابی دانشجویان از اثربخشی تدریس استادان. *نامه آموزش عالی*، ۶ (۲۲)، ۲۴-۷.

عزیزی خالخیلی، طاهر؛ حسین پور، ابوطالب. (۱۳۹۵). عوامل مؤثر روی کیفیت تدریس اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری از دیدگاه دانشجویان و دانش‌آموختگان. *علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران*، ۱۲ (۱)، ۱۶۵-۱۷۹.

مجتهدزاده، ویدا؛ علوی طبری، سیدحسین و مرادی پر، فاطمه (۱۳۸۹). دانش و مهارت‌های مورد نیاز برای دانش‌آموختگان مقطع کارشناسی حسابداری: دیدگاه استادان دانشگاه، شاغلان در حرفه و دانشجویان حسابداری (بررسی موردی: استان آذربایجان غربی). *مجله دانش حسابداری*، ۱ (۱)، ۸۸-۷۳.

- مشایخی، بیتا؛ شفیع‌پور، سید مجتبی. (۱۳۹۱). بررسی کارایی نظام آموزشی رشته حسابداری در سطح دانشگاه‌های ایران با استفاده از تکنیک تحلیل پوششی داده‌ها. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۱۹(۶۷)، ۱۴۲-۱۱۹.
- نوروش، ایرج (۱۳۸۲). بررسی فرایند تغییر برنامه درسی و پیشنهاد یک برنامه درسی نوسازی شده برای دوره کارشناسی رشته حسابداری. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۱۰(۳۲)، ۴۲-۲۱.
- نوروش، ایرج و مشایخی، بیتا (۱۳۸۴). نیازها و اولویت‌های آموزش حسابداری مدیریت: فاصله ادراکی بین دانشگاهیان و شاغلین در حرفه حسابداری. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۱۲(۴۱)، ۱۶۱-۱۳۳.

References

- Accounting Education Change Commission. (1990). AECC Urges Priority for Teaching in Higher Education. Issues Statement No. 1. Retrieved from: <http://www2.aaahq.org/aecc/PositionsandIssues/issues1.Pdf>.
- Accounting Education Change Commission. (1993). Evaluating and Rewarding Effective Teaching. Issues Statement No. 5. Retrieved from: <http://www2.aaahq.org/AECC/pdf/position/issues5.Pdf>.
- American Institute of Certified Public Accountants. (2015). Sample Teaching Strategies and Techniques for Accounting Courses. Retrieved from: <https://www.aicpa.org/interestareas/accountingeducation/resources/pages/sample-teaching-strategies.aspx>.
- Aregbeyen, O. (2010). Students perceptions of effective teaching and effective lecturer characteristics at the University of Ibadan, Nigeria. *Pakistan Journal of Social Sciences*, 7(2), 62-69.
- Asadian, S., Piri, M., & SaadatFar, R. (2017). Effective teaching in higher education based on professional experiences of professors and its relationship with self-reported teaching. *Journal of higher education curriculum studies*, 8(15), 113-134 [In Persian].
- Australian Vice-Chancellors' Committee. (1993). *Guidelines for effective university teaching*. Canberra, Australia.
- Azizi, T., & Hosseinpour, A. (2016). Factors affecting teaching quality of faculty members in sari agricultural sciences and ntt ur rooourees univrrsity from studnss' nnd grddutt "' prrspeciiv.. *Iranian Agricultural Extension and Education Journal*, 12(1), 163-179 [In Persian].
- Badri, A. (1993). Philosophical Approach in Accounting Education. *Accounting and Auditing Review*, 2(6 & 7), 5-23 [In Persian].
- Becher, T. (1984). The cultural view, in B.R. Clark (ed.). *Perspectives on Higher Education*, Berkeley, University of California Press, pp. 165-198.
- Becher, T. (1987). The disciplinary shaping of the profession, in B.R. Clark (ed.). *The Academic Profession*, Berkeley, University of California Press, 271-303.
- Biglan, A. (1973). Relationships between subject matter characteristics and the structure and output of university departments. *Journal of Applied Psychology*, 57 (3), 204-213.
- Boyer, E.L. (1990). *Scholarship reconsidered: Priorities of the professoriate*. Princeton, NJ: The Carnegie Foundation for the Advancement of Teaching.
- Casey, R.J., Gentile, P., & Bigger, S.W. (1997). Teaching appraisal in higher education: An Australian perspective. *Higher Education*, 34, 549-482.
- Dargahi, H., Hamouzadeh, P., Sadeghifar, J., Raadabadi, M., Roshani, M., Salimi, M., & Soltanzadeh, P. (2010). Criteria assessment of a expect teacher for effective teaching. *Journal of Payavard Salamat*, 4(3-4), 91-98 [In Persian].
- Delaney, J.G., Johnson, A.N., Johnson, T.D., & Treslan, D.L. (2010). Students' perceptions of effective teaching in higher education. Memorial University of Newfoundland, Distance Education and Learning Technologies.
- Etemadi, H., & Nikkhah-Azad, A. (1998). Identify the factors and obstacles to the growth of accounting education in Iran and provide an effective and efficient program. *Human Sciences Modares*, 6, 102-121 [In Persian].
- Green, T.F. (1964). A topology of the teaching concept. *Studies in Philosophy and Education*, 3(4), 284-319.

- Gurney, P. (2007). Five Factors for Effective Teaching. *New Zealand Journal of Teachers' Work*, 4(2), 89-98.
- Harden, R.M., & Crosby, J. (2000). AMEE Guide no 20: The good teacher is more than a lecturer-the twelve roles of the teacher. *Medical Teacher*, 22(4), 334-347.
- International Federation of Accountants. (2019). *Handbook of international education pronouncements*. New York, USA.
- Ismail, S., Jamaludin, N., Zakaria, W.Z.W., & Nawawi, N.M., (2017). A study on the accounting students' perceptions towards teaching quality at university. *International Journal of Accounting, Finance and Business*, 2(5), 85-98.
- Krippendorff, K. (2004). *Content analysis: An introduction to its methodology*. Thousand Oaks, California: Sage Publications, Inc.
- Krishnan, A. (2009). What are academic disciplines? Some observations on the disciplinarity vs. interdisciplinarity debate. National Centre for Research Methods *Working Paper*, published online.
- Madsen, P.E. (2015). Has the quality of accounting education declined? *The Accounting Review*, 90(3), 1115-1147.
- Mashayekhi, B., & Shafi Poor, S.M. (2012). Investigation of accounting education system efficiency in Iranian universities. *Accounting and Auditing Review*, 19(67), 119-142 [In Persian].
- Mohidin, R., Jaidi, J., Lim, T.S., & Osman, Z. (2009). Effective teaching methods and lecturer characteristics a study on accounting students at Universiti Malaysia Sabah (UMS). *European Journal of Social Sciences*, 8(1), 21-29.
- Mojtahedzadeh, V., Alavi Tabari, S.H., & Moradi Par, F. (2010). Required knowledge and skills for accounting graduates (Case study: West Azerbaijan). *Journal of Accounting Knowledge*, 1(1), 73-88 [In Persian].
- Moses, I. (1990). Teaching, research and scholarship in different disciplines. *Higher Education*, 19(3), 351-375.
- Neumann, R. (2001). Disciplinary differences and university teaching. *Studies in Higher Education*, 26(2), 135-146.
- Noravesh, I. (2003). Review the process of changing the curriculum and suggest a renovated curriculum for an undergraduate degree in accounting discipline. *Accounting and Auditing Review*, 10(32), 21-42 [In Persian].
- Noravesh, I., & Mashayekhi, B. (2005). Needs and priorities of management accounting training: The perceptual gap between academics and practitioners in the accounting profession. *Accounting and Auditing Review*, 12(41), 133-161 [In Persian].
- Pathways Commission. (2012). The pathways commission on higher education: charting a national strategy for the next generation of accountants. Retrieved from: <http://www.pathwayscommission.org>.
- Pierre, K.S., Wilson, R.M.S., Ravenscroft, S.P., & Rebele, J.E. (2009). The role of accounting education research in our discipline. *Issues in Accounting Education*, 24(2), 123-130.
- Polk, J.A. (2006). Traits of effective teachers. *Arts Education Policy Review*, 107(4), 23-29.
- Quinn, F. M., & Hughes, S. J. (2007). *Quinn's principles and practice of Nurse Education* (Fifth Edition). United Kingdom: Cengage Learning.
- Raina, N. (2015). Effective teaching-learning strategies and quality of higher education in India: Some reflections. *Journal of Commerce and Management Thought*, 6(4), 669-683.
- Rajeevan, S. (2020). Accounting: The teaching, the practice and what is missing. *Vilakshan - XIMB Journal of Management*, 17(1/2) 15-37.
- Ramsden, P. (2004). *Learning to Teach in Higher Education* (2nd ed.). London: RoutledgeFalmer.
- Saei, M.J., Lari Dashtbayaz, M., & Fateh Goush, H. (2015). A review and content analyzing of Iranian auditing research: Two recent decades. *The Iranian Accounting and Auditing Review*, 22(2), 203-220 [In Persian].
- Saif, A.A. (2013). *Modern educational psychology: Psychology of learning and instruction*. Tehran, Iran: Douran publication [In Persian].
- Saqafi, A., & Mohammadzadeh-Novin, A. (1992). Promoting accounting education in developing countries: Case of Iran. *Accounting and Auditing Review*, 1(2), 80-90 [In Persian].

- Scheerens, J. (2016). *Defining the key factors in instructional effectiveness* (Chapter 3). Educational effectiveness and Ineffectiveness (51-76). Springer Netherlands.
- Shabani, H. (2006). *Educational Skills: Teaching Methods and Techniques*. Tehran, Iran: Samt publication [In Persian].
- Sherman, T.M., Armistead, L.P., Fowler, F., Barksdale, M.A., & Reif, G. (1987). The quest for excellence in university teaching. *The Journal of Higher Education*, 58(1), 66-84.
- Shirbagi, N. (2013). An analysis of the sources of behavioral error in students' learning. *Higher Education Letter*, 6(22), 7-24 [In Persian].
- Stice, J.D., & Stocks, K.D. (2000). Effective teaching techniques: Perceptions of accounting faculty. *Advances in Accounting Education*, 2, 179-191.
- Stout, D.E., & Wygal, D.E. (2010). Negative behaviors that impede learning: Survey findings from award-winning accounting educators. *Journal of Accounting Education*, 28(2), 58-74.
- Weeda, W.C. (1986). Effectiviteitsonderzoek van scholen. In: J.C. van der Wolf & J.J. Hox (red.). *Kwaliteit van het onderwijs in het geding* [About education quality]. Publicaties van het Amsterdams Pedagogische Centrum, nr. 2. Lisse: Swets & Zeitlinger.
- Whitley, R. (1984). *The intellectual and social organization of the sciences*. Oxford, Clarendon Press.
- Wygal, D.E., & Stout, D.E. (2015). Shining a light on effective teaching best practices: Survey findings from award-winning accounting educators. *Issues in Accounting Education*, 30(3), 173-205.
- Wygal, D.E., Watty, K., & Stout, D.E. (2014). Drivers of teaching effectiveness: Views from accounting educator exemplars in Australia. *Accounting Education: An International Journal*, 23(4), 322-342.
- Young, S., & Shaw, D.G. (1999). Profiles of effective college and university teachers. *Journal of Higher Education*, 70(6), 670-686.
- Zhou, H., Liu, M., Zeng, J., & Zhu, J. (2016). Selection of nursing teaching strategies in mainland China: A questionnaire survey. *Nurse Education Today*, 1(39), 147-151.